

(اینطور قرائت شد) ماده هشتم - دولت مکلف است که از تاریخ تصویب این قانون در ظرف سه سال وسائل اجرای این قانون را در تمام مملکت تهیه نموده و در آخر سال سوم آن را اجرا نماید.

چهارم - قبل از اجراء باید اعلانی در هر محلی از طرف دولت انتشار یابد و موقع اجراء این قانون قبلاً به اهالی خاطر نشان گردد.

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - عرض ندارم.

رئیس - آقای سلطان العلماء (اجازه)

سلطان العلماء - عرض ندارم.

رئیس - آقای اشکر (اجازه)

اشکر - عرضی ندارم.

شیروانی - مخالفی نیست.

رئیس - مخالفی نیست؟

بعضی از نمایندگان - خیر.

رئیس - رأی میگیریم بجدول یک.

آقایانیکه ماده هشت را تصویب می کنند قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده هشت قرائت می شود.

(شرح ذیل قرائت شد) ماده نهم - پس از انقضای مدت مذکور در ماده هشتم استعمال هر نوع مقیاس غیر از اوزان و مقادیری که بموجب این قانون تعیین و اعلان شده است ممنوع و در حق کسانی که برخلاف این ممنوعیت رفتار نمایند مفاد ماده پنجم اجراء خواهد شد.

رئیس - مخالفی دارد؟

جمعی از نمایندگان - خیر.

رئیس - رأی میگیریم.

آقایان موافقین با این ماده قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد.

جدول یک قرائت می شود.

(شرح ذیل قرائت شد) ۱ - مقیاس های طول واحد مقیاس گز مساوی بیست متر.

اجزاء : گره . ده یک گز مساوی یک دسی متر.

اجزاء : بهر . صد یک گز مساوی یک سانتی متر.

اجزاء : مو . هزار یک گز مساوی یک میلی متر.

اضاف : میل هزار گز مساوی یک کیلومتر.

اضاف : فرسنگ : ده هزار گز مساوی یک میریامت.

رئیس - گره ده یک گز - مخالفی ندارد.

مربع باشد و جریب هزار متر مربع و خروار ده هزار متر مربع.

رئیس - بهر صد یک گز . مخالفی ندارد.

بعضی از نمایندگان - خیر.

رئیس - مو هزار یک گز . مخالفی نیست؟

(اظهاری نشد)

رئیس - میل هزار گز . ایرادی نیست.

(مخالفی نشد)

رئیس - فرسنگ ده هزار گز . مخالفی هست؟

بعضی از نمایندگان - خیر.

رئیس - رأی میگیریم بجدول یک.

آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. جدول دو قرائت می شود.

(اینطور قرائت شد) ۲ - مقیاس های سطح واحد مقیاس گز مربع مساوی یک متر مربع.

اجزاء : گره مربع مساوی یک دسی متر مربع.

اجزاء : بهر مربع مساوی یک سانتی متر مربع.

اجزاء : مو مربع مساوی یک میلی متر مربع.

اضاف : قفیز . صد گز مربع مساوی یک دکامتر.

اضاف - جریب ده هزار گز مربع مساوی هکتار.

تبصره - در اضاف مقیاس سطح مقصود از گز مربع همه جا همان است که در عرف عامه (ذوق مضروب) مینامند.

رئیس - قفیز صد گز مربع آقای تدین (اجازه)

تدین - اینجا نوشته شده است قفیز صد گز مربع مساوی یک دکامتر.

بند تصویب می کند باید نوشته شود مساوی یک دکامتر مربع.

دکامتر است نه صد متر کله مربع استفاده است.

رئیس - آقای مقوم الملک (اجازه)

مقوم الملک - اینجا برای اضاف سطح دو قسم تعیین شده است. یکی قفیز صد گز مربع و یکی جریب ده هزار گز مربع.

بند تصویب می کند جریب در اغلب نقاط این مملکت هزار ذرع باشد.

بعضی از نمایندگان - (اینطور همه) مقوم الملک - در تمام مساحت جنوب و غرب جریب شان هزار ذرع است فقط در کیلان ده هزار ذرع است بنده یک پیشنهاد کرده ام که قفیز مساوی با صد متر باشد.

رئیس - آقای اشکر (اجازه)

اشکر - اساساً این پیشنهادی که آقای مقوم الملک کرده اند از باب این است که ما بین جریب و قفیز که اینجامین شده است یک اصطلاح دیگری لازم است برای هزار ذرع است.

حالا یکجا جریب هشتصد و یکجا البته آن باید بصورت واحدی در آید هزار گز معین کنند و برای ده هزار ذرع خروار یا اسم دیگری معین نمایند و اگر اینطور تصویب شود گمان میکنم اسباب انقلاب

بشود.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - خود آقایان همه میدانند که در دهات و ولایات جریب فرق دارد و بیک نسق نیست و این اختلاف در مملکت است و علت اینکه دولت لایحه اوزان و مقیاسها را به مجلس آورده ام بود.

برای اینکه توحید اوزان و مقادیر بشود دولت این لایحه را به مجلس آورد که اختلافات برداشته شود و چنانچه خاطر محترم آقایان مستحض است در موقی که پروگرام مطرح بود همین مسئله صحبت شد که باید مشی را واحد کرد تا اختلافات از بین برداشته شود.

در این مملکت جریب در یکجا ده هزار ذرع است و در یکجا هشتصد ذرع یکجا هزار ذرع و در یکجا شصت ذرع است و همین مسئله باعث شده است که این لایحه از مجلس بگذرد تا اوزان و مقیاسها در تحت شکل واحدی در آید.

این اولاً - چنانچه ملاحظه میفرمایند در جدول چهارم که مقیاسهای وزن باشد در آن لایحه اولی یا نژده شانزده اسم در مقابلش نوشته بودیم.

ولی بعد فقط یک تبصره علاوه کردیم که آن تبصره نظر حضرت والا و سایرین را تأمین میکند و آن تبصره این است : دولت می تواند محض سهولت معاملات اجزاء و اضاف فرمی برای مقیاسهای وزن تهیه نماید.

بنابر این اگر در این تبصره مقیاسهای سطح را هم علاوه کنیم دیگر گمان نمیکند محتاج باین باشیم که اسم مخصوصی برای هزار گز معین کنیم به علاوه ممکن هم هست پیشنهاد بکنند بپذیریم.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - موافقم.

رئیس - آقای حاج میرزا عبد الوهاب (اجازه)

حاج میرزا عبد الوهاب - بنده هم تأیید میکنم همان فرمایش آقای مقوم الملک را زیرا اینطور که عجباً در مملکت معمول شده است جریب عبارت از هزار ذرع است و در تمام دهات ایران بین رهاها و اربابهای ملک این مسئله معمول است اگر حالا بیایم بگوئیم جریب ده هزار ذرع باشد یک انقلاب و اختلاف بزرگی در مملکت تولید میشود و اسباب زحمت فراهم خواهد آمد.

بنده عقیده ام این است که جریب را هزار گز معین کنند و برای ده هزار ذرع خروار یا اسم دیگری معین نمایند و اگر اینطور تصویب شود گمان میکنم اسباب انقلاب

این بود که پیشنهاد کردند جریب هزار متر و خروار هم ده هزار متر باشد که بین مالکین و رهاها هم معمول است و گمان نمیکند هیچ ضرری داشته باشد که بین صد گز و ده هزار گز یک چیز دیگری معین شود.

این است که ایشان پیشنهاد کرده اند جریب هزار ذرع و خروار ده هزار ذرع باشد.

رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - بنده موافقم ولی اینکه می فرمایند لغت خروار را استعمال کنیم تصور میکنم از نقطه نظر اصطلاحات معنی باشد در خراسان کلمه خروار هیچ نیست.

کازرونی - در ایران معمول است تدین - آقایان البته تصدیق میفرمایند علت اینکه توحید اوزان و مقادیر لازم شد چه بود؟

علت بواسطه اختلافاتی بود که در اوزان و مقادیر مملکت موجود بود حتی بدرجه که در رها یا اوزان یکجا یک گز و یکجا طوردی گز است.

برای اینکه این اختلافات مرتفع شود و توحید اوزان و مقادیر در همه جای مملکت عمومیت پیدا کند این قانون تهیه شد و به همین ملاحظه آمده اند جریب را ده هزار ذرع گرفته اند تا متحد الشکلی باشد و آنجا مائیکه تا کنون هزار ذرع یا ده هزار ذرع یا کمتر بود.

پس از تصویب و اجرای این قانون این اختلافات مرتفع و در همه جا یکطور خواهد شد.

از این تاریخ بعد جریب اطلاق خواهد شد و ده هزار ذرع مربع تصور نمیکند هیچ اشکالی هم داشته باشد و پیش نهادی هم داده ام.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - پیشنهاد آقایان آقا میرزا شهاب و مقوم الملک قرائت میشود (شرح ذیل خوانده شد) بنده اضاف مقیاس سطح را بطریق ذیل پیشنهاد میکنم:

قالب - ده متر مربع.

قفیز - صد متر مربع.

جریب - هزار متر مربع خروار - ده هزار متر مربع.

رئیس - آقای آقا میرزا شهاب (اجازه)

آقا میرزا شهاب - همین طور که آقایان اینجا فرمودند این اصطلاحات معتدل است.

متلا در کرمان هیچ الفاظ قفیز و جریب معمول نیست و بجای قفیز قصب می گویند که عبارت از بیست پنج ذرع مربع است و در

اینجا که نوشته است اضاف - سطح بنده نمیدانم چه ماده متر یا ده ذرع مربع را از بین می نندازیم یا همان طور هزار ذرع را از بین می نندازیم یا این مسئله از دو حال خارج نیست یا این است که قائل می شویم احتیاج نداریم و از این نظر انظمی برایش وضع نمی کنیم یا این است که باید بگوئیم صد بیست نفر وکیل عاجز بود اند از اینکه یک انظمی پیدا کنند و این خیلی بد است که در یک قانون مادومرتبه را از قام بیندازیم و مرتبه سوم را بگیریم و هیچ یک از این الفاظیکه اینجا نوشته شده است در تمام ایران معمول و متداول نیست.

مثلاً قفیز و جریب در بعضی جاهای معمول نیست و همینطور قصب و خروار پس بنده با در نظر گرفتن مجموع اینها یک پیشنهادی کردم که برای ده ذرع مربع قصب معین شود.

چون در کرمان متداول است که برای مقیاس سطح قفیز از قصب چیزی دیگری نمیگویند و این مقیاس مساویست با بیست و پنج ذرع مربع و علت اینکه قصب میگویند برای این است که بهانی اندازه می گیرند . در این جا هم چه ضرر دارد که همین طور نوشته شود و فرضاً قصب هم نگویند ممکن است نی بگویند و بنظر بنده اشکالی هم ندارد به این طور که یک نی ده گز مربع یک قفیز صد گز مربع و یک جریب هزار متر مربع و یک خروار ده هزار متر مربع باشد تا عبارتی هم از وسط نینداخته باشیم و اشکالی هم ندارد.

عرض کنم که در تبصره ذیل مقیاسهای وزن هست و اختصاص داده شده است بوزن که دولت برای آن اضافاتی میتواند تهیه خواهد کرد.

لذا ما خوب است صبر کنیم که ببینیم دولت چه میکند.

آنوقت بعد ممکن است نظریات آقایان که باز میخواهند یک قسمت هائی در قسمت اضاف و اجزاء ملحوظ شود تأمین گردد.

و خود دولت مطابق نظریه آقایان ترتیب خواهد داد.

اما اینکه فرمودند چه امساحت قفیز و جریب از صد متر به ده هزار متر بالا رفته است در اینجا اگر ملاحظه میفرمایند می بینید از نقطه نظر گز . مربع معین شده آن وقت وقتی بخوانیم صد گز مربع را بالا ببریم به همان تناسب مربعی بالا ببریم و درجه صعودی این مثل متر عادی نیست صد گز مربع را وقتی بخوانند بالا ببرند معمول نیست و بجای قفیز قصب می گویند که عبارت از بیست پنج ذرع مربع است و در

بعلاوه چنانچه عرض کردم دولت محض سهولت و معاملات ناچار است یک اجزاء و اضاف فرمی برای مقیاس وزن تهیه نماید و ممکن است مقیاس سطح هم در آن تبصره گذاشته شود.

در آن وقت اگر کم و زیادی لازم باشد ممکن است دولت اضاف کند و نظریه آقایان می شود.

بنابر این بهترین است که آقایان حالا پیش نهادات خودشان را پس بگیرند.

رئیس - این پیشنهاد مجدداً قرائت می شود و رأی می گیریم.

آقا میرزا شهاب - بنده پیش نهاد میکنم قصب را تبدیل به نی نمایند.

رئیس - آقای مقوم الملک هم با این پیشنهاد موافقت می فرمایند؟

مقوم الملک - بلی (پیشنهاد فوق بشرح سابق با تبدیل قصب به نی خوانده شد)

رئیس - رأی میگیریم به این پیش نهاد آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند.

(عده قیام نمودند)

رئیس - مشکوک شده مجدداً رأی می گیریم. بقابل توجه بودن آن آقایان موافقین قیام فرمایند.

(عده برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای تدین قرائت می شود.

پیش نهاد میکنم که اضاف مقیاس سطح بطریق ذیل مقرر شود.

قفیز - مساوی صد گز مربع . یک دکا متر مربع .

میل مربع مساوی هزار گز مربع . یک کیلومتر مربع . جریب . ده هزار گز مربع . یک هکتار.

رئیس - (خطاب با آقای تدین) وقتی که رأی دادید میل مساویست با هزار گز میل را که مربع گردید آن وقت می شود یک میلیون نفر مابند.

تدین - اضاف طول در سطح هم در سیستم متریک فرانسه همانست نهایت واحد فرق میکند متر هکتومتر کیلومتر . دکا متر در مربع می شود .

متر مربع هکتومتر مربع دکامتر مربع نهایت برای مساحت اراضی زراعتی فقط دکامتر مربع نهایت برای مساحت اراضی زراعتی فقط دکامتر مربع را استعمال میکنند عبارت یعنی چه؟

یعنی طول و عرض را معین کرده ایم . میل مربع عبارت است از هزار ذرع مربع . در اینجا که بنده عرض کردم میل مربع عبارت است از هزار ذرع مربع . مقصودم ذرع مضروب به اصطلاح معموله معماری نبود . یعنی مثلا یک ضلعش صد ذرع باشد و ضلع دیگرش ده ذرع . یعنی یک زمینی که هر ضلعش هزار

نه آرونه دکامتر مربع هیچ یک بلکه هیچگونه .

کیلومتر مربع . و وقتیکه بکتداری ترقی کند می شود . میل مربع . بنابر این در اینجا در مورد مقیاس سطح اگر قفیز یا جریب یا هر چه که استعمال شود باید دانست که این مربوط است باراضی مزروع نه مطلق اراضی.

بنابر این اگر بخوانند سطح تهران را معین کنند چقدر است چطور معین خواهند کرد؟

مثلاً خواهند گفت : صد قفیز یا صد جریب است اخیراً بنظر صحیح نیست و در اینجا باید همان اضافی را که در مقیاسهای طول ذکر کرده اند در اینجا هم قبول کنند با این قید مثلاً در طول واحد طول معین شود و در اضاف آن اگر میل بود میل مربع نوشته شود یا فرسنگ بود در اینجا فرسنگ مربع نوشته شود.

آنوقت ممکن است علاوه کنید و بگوئید که برای مساحت اراضی زراعتی قفیز یا جریب یا قصب استعمال شود لذا برای رفع این نواقص این طور پیشنهاد کردم که قفیز هم باشد جریب هم باشد منتهی در این وسط میل مربع را هم ذکر کنیم برای اینکه اگر بگوئیم بنا شود مطلق اراضی و سطح یک ایالت یا ولایت یا شهری را معین کنند واحد این قبیل سطح میل مربع باشد . آنوقت هر سه جزء هم در اینجا رعایت شد . قفیز . جریب . میل مربع .

اما اینکه اشاره فرمودند میل مربع یک میلیون میشود . توضیحاً عرض کنم که نقص در الفاظ ما است .

وقتی ما میگوئیم ده ذرع مربع در اینجا دومی استفاده میشود . یکی اینکه صد ذرع مربع یعنی صد ذرمی که مربع است و دیگر مرتبه در خودش ضرب نموده ایم . و بگفته اند اینکه مثلاً یک زمین طولش ده ذرع و عرضش هم ده ذرع است و این عرض و طول را در هم ضرب کرده ایم می شود صد ذرع مربع . مثلاً ملاحظه میفرمایند میگویند این اطلاق مساحتش هشتاد ذرع مربع است . این عبارت یعنی چه؟

یعنی طول و عرض را معین کرده ایم . میل مربع عبارت است از هزار ذرع مربع . شده .

در اینجا که بنده عرض کردم میل مربع عبارت است از هزار ذرع مربع . مقصودم ذرع مضروب به اصطلاح معموله معماری نبود . یعنی مثلا یک ضلعش صد ذرع باشد و ضلع دیگرش ده ذرع . یعنی یک زمینی که هر ضلعش هزار

متر باشد و وقتیکه در هم ضرب میشود آن وقت هزار ذرع مربع میشود که مساوی خواهد بود با یک کیلومتر مربع و اضافش هم هر کدام یک اسم خاصی دارد.

ملی ای حال مقصود اینست و تقص از الفاظ ما است.

میل مربع معادل است با هزار ذرع مربع و در مقابلش نوشته ایم یک کیلو متر مربع یک سطحی که هر یک از اضلاعش یک کیلومتر باشد.

رئیس - قرائت میشود رأی (مجدداً بشرح سابق خواهد شد) رئیس - رأی میگیریم بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمایند (چند نفری برخاستند) رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد شاهزاده محمد هاشم میرزا قرائت میشود.

(باین مضمون خوانده شد) پیشنهاد میکند عوض هزار ذرع مربع بخش نوشته شود.

رئیس - آقای شیخ الرئیس (اجازه)

پس بقیه بنده بخش یک لغتی است فارسی و ساده و همه می توانند یاد بگیرند و اگر بجای هزار ذرع بخش گذاشته شود بهتر است و هیچ اشکالی هم ندارد در قرائت مشکلات هم می شود.

حالا بنده این کلمه را پیش نهاد کردم دیگر بسته است برای آقای مغیر.

مخبر - خود حضرت والا حضور کیسیون هستند و ملاحظه فرموده اند که حساب تا اندازه از روی وقت شده و در کیسیون هم که مجدداً تشکیل شد.

عده از آقایان تشریف داشتند و مذاکره شد که این ترتیب هم نخورد به علاوه بنده عرض میکنم اگر شادو آن تبصره بدو ات اجازه بدهید که اضاف و اجرائی برای مقیاس سطح معین کند تمام این اختلافات بر طرف می شود و اسباب زحمت هم نخواهد شد و تقاضای تبصره علاوه شود که دولت معض سهولت معاملات می تواند اضاف و اجرائی برای مقیاسهای سطح معین کند آن وقت دولت باید که وقت ملاحظه میکند و اسمش را با یک کلمه متر میگذارد یا میل می گذارد یا بخش میگذارد و از این جهت گمان میکنم این ترتیب بهتر باشد.

محمد هاشم میرزا شیخ الرئیس کلیتاً بنده آنچه که تصور میکنم یکی از مقاصد مهمه از وضع این قانون و انشاء آن برای وحدت موازن و مقادیر بوده است و برای اینست که از این اختلافاتی که در هر جا یک کشور است دولت و مردم راحت شوند مثلا ملاحظه فرمایند در برابر کابلان ده هزار ذرع است و در مرکز سه هزار و شصت ذرع و در سبزوار هزار و شصت ذرع و در جای دیگر طور دیگر.

بهر حال بقدری مختلف و متفاوت است که حقیقتاً اسباب زحمت است پس چه ضرر دارد که ما یک لغتی وضع کنیم که هم تازه هم فارسی و هم فارسی و هم خوب و مستعمل باشد آن به عقیده بنده کلمه «بخش» است ضمناً باید یک لغتی هم وضع کرد که مردم هم به آن مانوس باشند.

اما اینکه آقایان فرمودند نوشتن در تبصره کافی است بنظر بنده کافی نیست زیرا هزار ذرع یک چیز است که خیلی معمول و متداول است و در اوضاع و احوال هم کاربرد دارد و هزار ذرعی خیلی کمتر مورد استعمال است و این برخلاف ترتیب است و البته اگر برای هزار ذرع یک اسم داشته باشیم بهتر است و همین طور کرده هزار ذرعی را عرضی بود راحت تر است و الا باید تمام مردم اصلاحات خودشان را عرض کنند تا این که مطابق بکنند با این ترتیب

ولی همانطور که آقای تین پیش نهاد کردند گمان میکنم در موقع عمل این نظریه تأمین شود و در این جا می خواستم عرض کنم که دکامتر مربع را هم که آقای تین پیشنهاد کردند ممکن است اضافه شود.

لیکن خوبست آقایان در این قسمت ها اصرار نفرمایند زیرا خود دولت اینها را درخواست کرد.

مشار اعظم - پس رأی بگیریید رئیس - مسترد گردید؟ مشار اعظم - بله رئیس - پیشنهاد آقای باسانی (اینطور قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم اضاف کز مربع اینطور مقرر شود که مسواوی ده کز مربع نی مساوی صد کز مربع فقیه مساوی هزار کز مربع جریب مساوی ده هزار کز مربع رئیس - بفرمایید یاسانی - چون میبینم بعضی از آقایان توحش دارند از اینکه اصطلاحات جدیدی در قانون مقرر شود و در تکیه هر اصطلاحی که وضع شود باید جامع ناچار است از اینکه یاد بگیرد و همین شکلی را هم که معین میکنند که جریب ده هزار ذرع مربع است البته باید زحمت بکشند تا یاد بگیرند ولی فقط یک چیزی هست که جامع به بعضی اصطلاحات مانوس ترند در این صورت البته اگر اصطلاحات طوری وضع شود که مورد انس همه باشد بهتر است.

کوچکترین قطعه زمینی که در اصطلاح فارسی داریم همه جا هم معمول است کز است و در بعضی جاها هم مواضعی با آن اضافه میکنند و میگویند گرتو و گرت لغت فارسی است برای یک قطعه زمین زراعتی و بقیه بنده اگر ما بخواهیم اصطلاحی وضع کنیم برای ده ذرع مربع باید همان گرت باشد و بعد از او همان طور که آقای آقا میرزا شهاب توضیح دادند نی مربع یا قصب بزبان عربی و بعد فقیه ذرع مربع باشد بهتر است.

زیرا مردم باین اصطلاحات مانوس ترند و زودتر یاد میگیرند.

دیگر اینکه اینجا گفته شد وقتی ما میگوئیم پنج ذرع مربع مقصود همان پنج ذرع است یا نتیجه اش حاصل شربش است.

خوب بالاخره باید اینها را حل کنیم که وقتی میگوئیم پنج ذرع مربع مقصود پنج ذرع است یا نیست و پنج ذرع بعضی میگویند زبان ما ناقص است وقتی که میگوئیم پنج ذرع یعنی همان پنج ذرع است.

رئیس - آقای شیروانی (اجازه)

برگشتن این قانون به کمیسیون نظریات دیگری دارند که هیچ ولی اگر بواسطه اشکالات و ایرادات است و بواسطه اختلاف نظر است که ممکن است یک پیشنهادی بفرمایند و نظریات خودشان را بگویند و الا ممکن است این قانون بر گردد به کمیسیون و کمیسیون نظریاتی اتخاذ کند و مجدداً در مجلس نسبت بآن نظریات معالفت شود و بنده یک پیشنهادی هم تقدیم کرده ام.

رئیس - شاهزاده شیخ الرئیس (اجازه) شیخ الرئیس - بنده نمیدانم در بابت های خیلی معمولی که در همه جا متداول است چرا باید بعضی اشکالات کرد و گفت غلط است.

صد ذرع مربع معنایش اینست که حاصل ضرب آن صد ذرع است و اینکه می فرمایند دو هزار ذرع مربع یعنی دو هزار ذرع ضرب در دو هزار ذرع که حاصل ضرب آن می شود چهار میلیون ذرع همچو چیزی متداول نیست و اگر همان اسمی را که معمول است بگذاریم و بگوئیم ذرع مضروب بهتر است که فرضاً وقتی میگوئیم پنج هزار ذرع یعنی پنج هزار ذرع ضرب میگویند پنج هزار ذرع و حاصل ضرب هم معلوم است و هر بنیاتی هم میدانند اگر در اصطلاح علمی اشکالی دارد در اصطلاح عمومی به چه چه اشکالی وارد نمی آید.

رئیس - آقایانی که پیشنهاد آقای باسانی را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عده کمی برخاستند) رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای مشیرالدوله و آقای تقی زاده. . . . یک پیشنهاد دیگر است که آن مقدم است.

پیشنهاد آقای دکتر احیاء السلطنه (بشرح ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم جداهای اوزان و مقادیر را بکمیسیون برگردانند پس از یک وقت و تجدید نظر دیگری بعرض مجلس برسانند.

رئیس - بفرمایید دکتر احیاء السلطنه مقصود از تدوین قانون اوزان و مقادیر این بوده است که اوزان و مقادیر ما هم بر طبق اصول سیستم متر یک مقیاسهای متری فرانسه تنظیم شود و توضیحاتی را هم که آقای تین دادند کاملاً مطابق با سیستم متریک بود چون ما این قدم را میخواهیم برداریم لازم است که از روی دقت و مطالعه باشد لهذا بنده این پیشنهاد را کردم که این قانون برگردد به کمیسیون و تجدید نظری و دقتی در آن شود و بعد بیاید به مجلس تا این اشکالات و ایرادات آقایان که از روی دقت و مطالعه باشد باشد خیلی خوبست.

رئیس - آقای شیروانی (اجازه)

است که دو کمیسیون مذاکره شده است و این صحبت ها هم لازم ندارد و دیگر اینکه از یکطرف ما دولت را مجبور می کنیم که دو مرتبه سه سال تمام سنک و میزان و مقادیر ایران را یکسان کند و از طرف دیگر میگوئیم که تمامش باید در اینجا درست شود شما ملاحظه بفرمایید ما که در دوشبته متناهی نمیتوانیم رأی بدهیم و تمام اینها را ما در کمیسیون یا حضور نماینده کمرب مذاکره کردیم و بالاخره قرارداد این شد.

رئیس - آقایانی که پیشنهاد آقای دکتر احیاء السلطنه را تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) رئیس تصویب شد. مواد الحاقیه پیش نهاد شده تکلیفش باید معین شود (بمضمون ذیل قرائت شد) پیشنهاد آقایان محمد هاشم میرزا و رئیس التجار دولت آبادی - امضا کنندگان ذیل پیشنهاد میکنند که ماده الحاقیه ذیل به لایحه اوزان و مقادیر اضافه شود.

ماده الحاقیه - سنکها و مقیاسهای جدید باید در خود ایران ساخته و تهیه شود.

رئیس - شاهزاده شیخ الرئیس (اجازه)

شیخ الرئیس - مقصود از این پیشنهاد اینست که قسمت صنعتی آن اگر در ایران واقع شود خیلی بهتر است زیرا اگر یک آهنگاری برای اینکار وارد کنند آنوقت وجود این آهنگاری که فعلاً هست تمامش بی مصرف میماند در صورتیکه ما میتوانیم وسیله برای انجام گرفتن این قسمت فراهم کنیم و زحمت سنک هم یک اسباب زیادی نمی خواهد و ممکنست همین جا درست شود و از نقطه نظر اقتصاد با بودن معدن موجودی که فعلاً استخراج کنند عقیده بنده اینست که همین آنها را بصفتیگران خودمان مزد بدهند و بسازند که این آنها هم مورد استعمال بیاید و از بین نرود.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب - بنده میگوام یک عرضی بکنم و ضمناً اجازه میدهم از آقای رئیس که زنک بزنند و بفرمایند خارج از موضوع است.

بنده عرض میکنم که این قانون آمد در مجلس و تمام آقایان مشیرالدوله و تقی زاده و داور و تمام فضلا و عقلاء و علماء آمدند در کمیسیون و این قانون را تنظیم کردند و گفتیم بیاری خدا امید داریم که این قانون بگذرد و باین همه الان هشت ماهست که این قانون سه مرتبه آمد به مجلس و اکثریت پیدا نکرد و حالاً هم میفرمایند برگردد بکمیسیون و این صحبتی را هم که حضرت والا فرمودند تمام همانهایی

است که دو کمیسیون مذاکره شده است و این صحبت ها هم لازم ندارد و دیگر اینکه از یکطرف ما دولت را مجبور می کنیم که دو مرتبه سه سال تمام سنک و میزان و مقادیر ایران را یکسان کند و از طرف دیگر میگوئیم که تمامش باید در اینجا درست شود شما ملاحظه بفرمایید ما که در دوشبته متناهی نمیتوانیم رأی بدهیم و تمام اینها را ما در کمیسیون یا حضور نماینده کمرب مذاکره کردیم و بالاخره قرارداد این شد.

رئیس - آقایانی که پیشنهاد آقای دکتر احیاء السلطنه را تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) رئیس تصویب شد. مواد الحاقیه پیش نهاد شده تکلیفش باید معین شود (بمضمون ذیل قرائت شد) پیشنهاد آقایان محمد هاشم میرزا و رئیس التجار دولت آبادی - امضا کنندگان ذیل به لایحه اوزان و مقادیر اضافه شود.

ماده الحاقیه - سنکها و مقیاسهای جدید باید در خود ایران ساخته و تهیه شود.

رئیس - شاهزاده شیخ الرئیس (اجازه)

شیخ الرئیس - مقصود از این پیشنهاد اینست که قسمت صنعتی آن اگر در ایران واقع شود خیلی بهتر است زیرا اگر یک آهنگاری برای اینکار وارد کنند آنوقت وجود این آهنگاری که فعلاً هست تمامش بی مصرف میماند در صورتیکه ما میتوانیم وسیله برای انجام گرفتن این قسمت فراهم کنیم و زحمت سنک هم یک اسباب زیادی نمی خواهد و ممکنست همین جا درست شود و از نقطه نظر اقتصاد با بودن معدن موجودی که فعلاً استخراج کنند عقیده بنده اینست که همین آنها را بصفتیگران خودمان مزد بدهند و بسازند که این آنها هم مورد استعمال بیاید و از بین نرود.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب - بنده میگوام یک عرضی بکنم و ضمناً اجازه میدهم از آقای رئیس که زنک بزنند و بفرمایند خارج از موضوع است.

بنده عرض میکنم که این قانون آمد در مجلس و تمام آقایان مشیرالدوله و تقی زاده و داور و تمام فضلا و عقلاء و علماء آمدند در کمیسیون و این قانون را تنظیم کردند و گفتیم بیاری خدا امید داریم که این قانون بگذرد و باین همه الان هشت ماهست که این قانون سه مرتبه آمد به مجلس و اکثریت پیدا نکرد و حالاً هم میفرمایند برگردد بکمیسیون و این صحبتی را هم که حضرت والا فرمودند تمام همانهایی

است که دو کمیسیون مذاکره شده است و این صحبت ها هم لازم ندارد و دیگر اینکه از یکطرف ما دولت را مجبور می کنیم که دو مرتبه سه سال تمام سنک و میزان و مقادیر ایران را یکسان کند و از طرف دیگر میگوئیم که تمامش باید در اینجا درست شود شما ملاحظه بفرمایید ما که در دوشبته متناهی نمیتوانیم رأی بدهیم و تمام اینها را ما در کمیسیون یا حضور نماینده کمرب مذاکره کردیم و بالاخره قرارداد این شد.

رئیس - آقایانی که پیشنهاد آقای دکتر احیاء السلطنه را تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) رئیس تصویب شد. مواد الحاقیه پیش نهاد شده تکلیفش باید معین شود (بمضمون ذیل قرائت شد) پیشنهاد آقایان محمد هاشم میرزا و رئیس التجار دولت آبادی - امضا کنندگان ذیل به لایحه اوزان و مقادیر اضافه شود.

ماده الحاقیه - سنکها و مقیاسهای جدید باید در خود ایران ساخته و تهیه شود.

رئیس - شاهزاده شیخ الرئیس (اجازه)

شیخ الرئیس - مقصود از این پیشنهاد اینست که قسمت صنعتی آن اگر در ایران واقع شود خیلی بهتر است زیرا اگر یک آهنگاری برای اینکار وارد کنند آنوقت وجود این آهنگاری که فعلاً هست تمامش بی مصرف میماند در صورتیکه ما میتوانیم وسیله برای انجام گرفتن این قسمت فراهم کنیم و زحمت سنک هم یک اسباب زیادی نمی خواهد و ممکنست همین جا درست شود و از نقطه نظر اقتصاد با بودن معدن موجودی که فعلاً استخراج کنند عقیده بنده اینست که همین آنها را بصفتیگران خودمان مزد بدهند و بسازند که این آنها هم مورد استعمال بیاید و از بین نرود.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب - بنده میگوام یک عرضی بکنم و ضمناً اجازه میدهم از آقای رئیس که زنک بزنند و بفرمایند خارج از موضوع است.

بنده عرض میکنم که این قانون آمد در مجلس و تمام آقایان مشیرالدوله و تقی زاده و داور و تمام فضلا و عقلاء و علماء آمدند در کمیسیون و این قانون را تنظیم کردند و گفتیم بیاری خدا امید داریم که این قانون بگذرد و باین همه الان هشت ماهست که این قانون سه مرتبه آمد به مجلس و اکثریت پیدا نکرد و حالاً هم میفرمایند برگردد بکمیسیون و این صحبتی را هم که حضرت والا فرمودند تمام همانهایی

است که دو کمیسیون مذاکره شده است و این صحبت ها هم لازم ندارد و دیگر اینکه از یکطرف ما دولت را مجبور می کنیم که دو مرتبه سه سال تمام سنک و میزان و مقادیر ایران را یکسان کند و از طرف دیگر میگوئیم که تمامش باید در اینجا درست شود شما ملاحظه بفرمایید ما که در دوشبته متناهی نمیتوانیم رأی بدهیم و تمام اینها را ما در کمیسیون یا حضور نماینده کمرب مذاکره کردیم و بالاخره قرارداد این شد.

رئیس - آقایانی که پیشنهاد آقای دکتر احیاء السلطنه را تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) رئیس تصویب شد. مواد الحاقیه پیش نهاد شده تکلیفش باید معین شود (بمضمون ذیل قرائت شد) پیشنهاد آقایان محمد هاشم میرزا و رئیس التجار دولت آبادی - امضا کنندگان ذیل به لایحه اوزان و مقادیر اضافه شود.

ماده الحاقیه - سنکها و مقیاسهای جدید باید در خود ایران ساخته و تهیه شود.

رئیس - شاهزاده شیخ الرئیس (اجازه)

شیخ الرئیس - مقصود از این پیشنهاد اینست که قسمت صنعتی آن اگر در ایران واقع شود خیلی بهتر است زیرا اگر یک آهنگاری برای اینکار وارد کنند آنوقت وجود این آهنگاری که فعلاً هست تمامش بی مصرف میماند در صورتیکه ما میتوانیم وسیله برای انجام گرفتن این قسمت فراهم کنیم و زحمت سنک هم یک اسباب زیادی نمی خواهد و ممکنست همین جا درست شود و از نقطه نظر اقتصاد با بودن معدن موجودی که فعلاً استخراج کنند عقیده بنده اینست که همین آنها را بصفتیگران خودمان مزد بدهند و بسازند که این آنها هم مورد استعمال بیاید و از بین نرود.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب - بنده میگوام یک عرضی بکنم و ضمناً اجازه میدهم از آقای رئیس که زنک بزنند و بفرمایند خارج از موضوع است.

بنده عرض میکنم که این قانون آمد در مجلس و تمام آقایان مشیرالدوله و تقی زاده و داور و تمام فضلا و عقلاء و علماء آمدند در کمیسیون و این قانون را تنظیم کردند و گفتیم بیاری خدا امید داریم که این قانون بگذرد و باین همه الان هشت ماهست که این قانون سه مرتبه آمد به مجلس و اکثریت پیدا نکرد و حالاً هم میفرمایند برگردد بکمیسیون و این صحبتی را هم که حضرت والا فرمودند تمام همانهایی

آن سنگش میخواد بزنده همکن است
اجحاف کند وسبب تومان ازش مثلا مطالبه
کند والا تفحص دیگری ندارد
وقتی که بر دم اجازه داده شد
که سنگها را خودشان
درست کنند و بیاروند علامت دولت را روی
آن بگذارند دیگر چه اشکالی دارد؟
مگر اینکه بفرمایند علامتی که دولت
روی آن میزند پولش را زیاد بگیرد و
من گمان نمیکنم دولت نظر استفاده در این
خصوص داشته باشد که برای علامت مثلا
ببندد یا نهاد یا صد تومان پول بگیرد
سنگهایی را که فرمودند ممکن است
تهیه کنند و بدولت بدهند در همان ولایات
که دولت روی آنها علامت بگذارد
رئیس - آقایانی که پیشنهاد آقای
مدرس را قابل توجه میدانند قیام فرمایند
(غالب نمایندگان قیام نمودند)
رئیس - قابل توجه شد
چند فقره دیگر پیشنهاد هست اگر
اجازه بفرمایند باشد برای بعد از تنفس
بعضی از نمایندگان - صحیح
است
(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل
و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)
رئیس - بقیه پیشنهادها قرائت
می شود
کفیل وزارت معارف - بنده قیلا
خواستم تقاضا کنم که کفترات معلمین
فرانسوی را اگر صلاح می دانید برای
روز شنبه یا روز یکشنبه جزء دستور
فرمایند
رئیس - در موقع تعیین دستور در نظر
گرفته میشود
پیشنهاد آقایان میرزا آقاخان و روسی
شرح ذیل قرائت شد)
بنده ماده العاقبه ذیل را پیشنهاد
می کنم
ماده العاقبه - کلیه سنگها و اوزانی
که در این جایز شده باشد باید همه آنها به
مهر رسمی وزارت فوائد عامه که برای این
کار تعیین شده میشود رسیده باشد و سنگها
و اوزانی که از خارج وارد شده باشد ولو
مطابقت با این قانون بنماید ممنوع از
استعمال است.
رئیس - آقای روحی نیستند؟ آقای
میرزا آقاخان.
(اجازه)
میرزا آقاخان - برای اینکه این
سنگها مثل سایر چیزهای دیگری نشود
و در ایران درست کنند و سنگها را از خارج
نیاروند بنده این پیشنهاد را کردم که در همین
جادرست کنند.
رئیس - اگر باین نظر است که آن پیشنهاد
آقای مدرس این نظر را تأیید میکند . اگر
میخواهد برای بگیریم؟
میرزا آقاخان - خیر .

(پیشنهاد آقای سلطان العلماء
شرح ذیل قرائت شد)
ماده العاقبه ذیل را پیشنهاد میکنم .
ماده العاقبه - اوزان و مقادیری که دولت
تهیه میکند نباید در موقع فروش بر قیمت
تمام شده بیش از نیم عشر اضافه نمایند و
اوزان و مقادیری که دیگران تهیه میکنند
برای وضع علامت رسمی دولت نباید بیش
از عشر قیمت تمام شده از تهیه کننده دریافت
نمایند.
رئیس - آقای سلطان العلماء.
(اجازه)
سلطان العلماء - بنده سوعظن بدولت
ندارم که این پیشنهاد را کرده ام از راه سوء
ظن است .
ولی همان طوری که در شور اول عرض
کردم دولت برای رفاهیت مردم این کار را
میکند و ضمناً هم یک فایده خواهد بود چنانکه
گفته شده است دولت یک نظری دارد برای
این کار که اسباب رفاهیت مردم باشد و در
ضمن هم البته منافی خواهد بود آن است
که بنده پیشنهاد کردم که دولت این سنگهایی
را که میسازد به قدری که تمام شده نیم عشر
اضافه کند و بفروش برساند و همچنین هر
کسی که یک سنگی را تهیه کرد دولت برای
وضع آن علامت رسمی نیم عشر بیش از
قیمت تمام شده آن حق دریافت نداشته
باشد.
رئیس - نزدیک ظهر است و عده هم
کافی نیست جلسه را اجازه می فرمایند ختم
کنیم؟
(مجلس مقارن ظهر ختم شد)
رئیس مجلس شورای ملی - مؤتمن الملک
منشی - علی اقبال الملک
منشی - معظم السلطان
جلسه ۱۳۶
صورت مشروح مجلس
یوم پنجشنبه ۱۳۰۳ مطابق نهم
حوت ۱۳۰۳ مطابق نهم
شهر شعبان ۱۳۴۳
مجلس دوساعت و یک ربع قبل از ظهر
بریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل
گردید.
(صورت مجلس یوم سیزدهم حوت را
آقای آقا میرزا جواد خان قرائت
نمودند)
رئیس - آقای اشکر
(اجازه)
اخگر - بنده قبل از دستور عرض
دارم .
رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب
(اجازه)
حاج میرزا عبدالوهاب - بنده
هم قبل از دستور عرض دارم .
رئیس - آقای تهرانی
(اجازه)
آقا شیخ محمد علی طهرانی -

بنده هم عرض قبل از دستور است .
رئیس - آقای حاج سیدالمحققین
(اجازه)
حاج سیدالمحققین - بنده هم قبل
از دستور عرض دارم
رئیس - آقای ضیاءالواعظین
(اجازه)
ضیاءالواعظین - بنده بعد از
تصویب صورت مجلس عرض دارم .
رئیس - نسبت بصورت مجلس اشکالی
نیست؟
بعضی از نمایندگان - خیر وارد
دستور بشویم .
رئیس - وارد دستور بشویم؟
جمعی از نمایندگان - بلی .
رئیس - قانون انتخابات ماده شصت
و سه معارض است قرائت میشود .
(شرح ذیل قرائت شد)
ماده ۶۳ تقسیم نمایندگان ملت نسبت
بجمعیت تعیینی ولایات از قرار شرح جدولی
است که کمیسیون تجدید نظر در قانون
انتخابات با موافقت وزارت داخله تدوین
و بآخر این قانون منضم خواهد شد
رئیس - آقای یاسائی
(اجازه)
یاسائی - بعقیده بنده باید در راپرت
کمیسیون در جدول انتخابات و طرز حوزه
بندیها تجدید نظر شده باشد و ضمیه این
رایورث شود
ولی متأسفانه در این راپرت تجدید
نظری در جدول نشده و فقط یک حق را
بخود کمیسیون تخصیص داده اند که اعضای
کمیسیون خودشان پیشینند و حوزه بندی
بکنند .
این ماده شصت و سه است که میخوانم
تقسیم نمایندگان ملت نسبت بجمعیت
تعیینی ولایات از قرار شرح جدولی است
که کمیسیون تجدید نظر در قانون انتخابات
با موافقت وزارت داخله تدوین و بآخر این
قانون منضم خواهد شد .
یعنی این مربوط به مجلس نیست . کمیسیون
تجدید نظر خودش با موافقت وزارت داخله
این کار را می کند در صورتی که می بایستی
تجدید نظری در حوزه بندی و جدول
انتخابات کرده و نظر پانسان را بین قانون
ضمیمه کرده باشند که حالا آقایان نمایندگان
بتوانند در روی آن راپرت مذاکراتی
بکنند و مجدداً برگردد بکمیسیون و از
برای شورتایی تکمیل شود و به علاوه آنچه
که بنده اطلاع یافته ام رزارت داخله با
این راپرت موافق نیست وزارت داخله
که می بایستی تصدی امور انتخابات باشد
و فوق العاده نظریه کارکنان آن وزارت خانه
در اجرای این قانون اهمیت دارد موافق
با این راپرت نیست و بعقیده بنده باید قبل
از همه چیز کسب نظریات وزارت داخله
شده باشد و نظریات آن وزارتخانه را در کلیه

این قانون جلب کرده باشند و مخصوصاً
بنده در روز اطلاع پیدا کردم که وزارت
داخله مخالف با این راپرت است و این
ترتیب غریبی است وزارتخانه ای که باید
قانون باین مهبی را اجرا کند موافق
نیست .
به حال این قسمت اشکال ندارد و
ممکن است کمیسیون در شورتایی کاملاً
نظریه وزارت داخله را جلب کند و البته هم
خواهد کرد .
بنا بر این بنده معتقدم که شور اول
ماده شصت و سه را بگذرانیم یا شد یا نباشد
که کمیسیون جدول را تدوین کنند و
رایورث بنده و در مجلس مثل سایر مواد
بنامان شود اول مذاکره شود و بر گردد
بکمیسیون و برای شورتایی حاضر شود
واللهی معنی ندارد که در سایر مواد این
قانون دوشور دوو
ولی در جدول و حوزه بندی یک
شود بشود .
به جهت این ماده باید کاملاً درش
دقت نظر شود مشروط بر اینکه کمیسیون
انتخابات با موافقت وزارت داخله تدوین
و بآخر این قانون منضم خواهد شد
رئیس - آقای یاسائی
(اجازه)
یاسائی - بعقیده بنده باید در راپرت
کمیسیون در جدول انتخابات و طرز حوزه
بندیها تجدید نظر شده باشد و ضمیه این
رایورث شود
ولی متأسفانه در این راپرت تجدید
نظری در جدول نشده و فقط یک حق را
بخود کمیسیون تخصیص داده اند که اعضای
کمیسیون خودشان پیشینند و حوزه بندی
بکنند .
این ماده شصت و سه است که میخوانم
تقسیم نمایندگان ملت نسبت بجمعیت
تعیینی ولایات از قرار شرح جدولی است
که کمیسیون تجدید نظر در قانون انتخابات
با موافقت وزارت داخله تدوین و بآخر این
قانون منضم خواهد شد .
یعنی این مربوط به مجلس نیست . کمیسیون
تجدید نظر خودش با موافقت وزارت داخله
این کار را می کند در صورتی که می بایستی
تجدید نظری در حوزه بندی و جدول
انتخابات کرده و نظر پانسان را بین قانون
ضمیمه کرده باشند که حالا آقایان نمایندگان
بتوانند در روی آن راپرت مذاکراتی
بکنند و مجدداً برگردد بکمیسیون و از
برای شورتایی تکمیل شود و به علاوه آنچه
که بنده اطلاع یافته ام رزارت داخله با
این راپرت موافق نیست وزارت داخله
که می بایستی تصدی امور انتخابات باشد
و فوق العاده نظریه کارکنان آن وزارت خانه
در اجرای این قانون اهمیت دارد موافق
با این راپرت نیست و بعقیده بنده باید قبل
از همه چیز کسب نظریات وزارت داخله
شده باشد و نظریات آن وزارتخانه را در کلیه

مجلس باینجه نظر داده اند و اعتراض هم
نسبت بآن نشد جدول انتخابات با تقسیم
نمایندها بجزوه ها دو تا است .
مجلس باید عده و کلاه و تقسیم
نمایندگان را بجزوه های مختلفه معلوم کند و
رأی بنده که ناحیه ساره - ناحیه کاشان -
ناحیه قم - ناحیه فلان جا فلان جا دارای ۱
سکیل بود وکیل است .
ولی شعب فرعی که در آن جاها لازم
است .
این را کمیسیون باید با اتفاق وزارت
داخله یک اطلاعات لازمی تهیه کند باید
بوسیله وکلای محل و مأمورین دولت در
محل اطلاعاتی حاصل کند و جدول را بشعب
فرعیه تقسیم کند که در کجا باید انجمن
فرعیه تشکیل شود و در کجا نباشد این
اطلاعات باید بتوسط وزارت داخله و
نمایندگان ایالات و ولایات تحصیل
شود .
اگر نظر آقایان باشد در تبصره ماده
۱۸ مینویسد
در نقاطی که حضور اهالی در یک
مرکز برای شرکت در انتخابات معتبر
باشد انجمن نظارت میتواند با اطلاع
حکومت یک یا چند شعبه در نقاط لازمه
بنظارت ۹ نفر از متممین محل تشکیل و
انتخابات را اعلان و خانه دهد این حق
که باینجه نظارت داده شده همین حق
است که بکمیسیون وزارت داخله داده شده
که آن نقاط مختلفه را اگر چنانچه کتب
کاوی کردند .
پس از آنکه مجلس بتمام این قانون
رأی داد اگر بعضی از نقاط را وزارت
داخله اطلاع پیدا کرد که از قلم افتاده است
بیکر معنی برای جدید مجلس باشد آن
را اضافه کند و انجمن نظارت را در آن جا
تشکیل دهد و این حق همی نیست که از مجلس
سلب شده باشد .
رئیس - آقای طهرانی
(اجازه)
(بعضی از نمایندگان) - گفتند
مذاکرات کافی است
رئیس - گفتمند کافی نیست
رئیس - برای بگیریم آقایانیکه معلوم
کرات را کافی میدانند قیام فرمایند
(اغلب قیام نمودند)
رئیس - معلوم میشود کافی است - ماده
۶۴
(بعضی از نمایندگان) - گفتند
ماده ۶۴ همین که نصف بملاوه یک
نفر از نمایندگان ملت در طهران حاضر
شدند مجلس شورای ملی افتتاح میباید و
رأی ایشان با اکثریت مناظر اعتبار و مجری
است .
رئیس - آقای یاسائی
(اجازه)

یاسائی - این ماده بعقیده بنده ناقص
است و باید در اینجا قید شده باشد که
دولت مکلف است مجلس را مفتوح
نماید
هدارس - مجلس خودش مفتوح میشود
مربوط بدولت نیست .
یاسائی - بنده هیچ فرض و تصور
نمیکنم که مجلس خود بخود بیاید و تشکیل
شود .
(همه نمایندگان)
باید دولت مقدمات و وسائل افتتاح
آن را فراهم بیارد .
دولت مسئول است و یکی از وظایف
قانونیش این است که وقتی نصف بملاوه
یک از نمایندگان حاضر شده مجلس را
افتتاح کند .
بعضی از نمایندگان - اینطور
نیست .
والا چه طور میشود مجلس خود بخود
مفتوح شود .
مخبر بنده خیال میکنم محتاج باین
مذاکرات نبود مجلس خودش افتتاح میباید
و بدولت ربطی ندارد .
بعضی از نمایندگان - صحیح
است .
جمعی از نمایندگان - مذاکرات
کافی است .
رئیس - ماده ۶۵
(اینطور قرائت شد)
ماده ۶۵ مدت دوره تقنینیه دو سال
شمسی است و ابتداء آن روزی است که
نمایندگی ۳ ربع از نمایندگان حاضر در
تهران تصدیق شده باشد .
رئیس - آقای یاسائی
(اجازه)
یاسائی - اگر چه مطابق قانون اساسی
مدت یک دوره مجلس ۲ سال است ولی این
مانع نیست که بنده عقیده خودم را عرض
کنم .
عقیده بنده این است که ۲ سال خیلی
کم است و باید بر آن افزوده شود زیرا که
تقریباً در هر دوره عملاً دیده شده است که
شده . حرف گذارند اعتبار نامه ها و کارهای
مقاماتی مجلس میشود بعد از مدتی هم که کمیسیون
یک کارهایی را بر روی دستور مجلس حاضر
می کنند و یک سال که از عمر مجلس گذشت
آنوقت یک کارهایی برای دستور مجلس
تهیه و حاضر میشود و واقعا مجلس یکسال
درست میتواند کار کند و بسیاری از قوانین
همه و لازمه که می باید از مجلس شورایی
گذشته باشد و جزء اصلاحات اساسی و
مقاماتی مملکت است هنوز نگذشته برای
اینکه مدت ادوار خیلی کم است .
چندین قانون در دوره چهارم تقنینیه
مطرح بود شور اولش هم تمام شد شور
نایش هم قریب باتمام بود که دوره مجلس
تمام شد و آن قانون ناتمام ماند و باز این

دفعه از سر گرفته شد .
یکی از آنها همین قانون انتخابات
است .
یکی قانون شورای دولتی است که
مدتی مجلس سر آن صرف وقت کرده و
بالاخره مانده و تصویب نشد .
قانون تجدید نظر در اصلاح بلدیهها
همینطور راپرتش حاضر شد و مجلس وقت
مداکره نداشت .
این دوره هم خواهد دید که یک
قوانینی مثل دوره چهارم در مجلس میماند
برای دوره ششم .
دوره ششم هم باز موفق نمیشود این
قوانینی که در تحت نظر است تصویب بنماید
این قوانین جزء اصلاحات اساسی
است و نمیشود گفت جزو ترتیبات اداری
ما است .
برای ساختمان اداری یک مملکت
این قوانین مثل ستون بندها و پی ریزیها
است و اگر ما بخواهیم در این موقع وقت
را تلف نمایم و این اقدامات اولیه و اساسی
را بجا نیاوریم باین زودیها موفق به
اصلاحات نخواهیم شد .
مثلاً بیست سال از عمر مشروطیت ما
می گذرد و هنوز یک ماده قانون مجازات
نداریم .
قانون مجازات را در دوره چهارم آوردند
بمجلس ولی مجلس وقت نکرد آن را تصویب
کند و ماند برای این دوره بلکه در این
دوره انشاء الله موفق بشویم که آن را
بگذرانیم .
قانون نظام اجباری را در دوره چهارم
آوردند بمجلس و همینطور ماند برای این
دوره .
همینطور سایر قوانین و بالاخره ما با
این مدت کم امیدواری کاملی نداریم که به
توانیم قوانین مهمه را بگذرانیم و بنده
عقیده دارم که مدت دوسال کم است و باید
بر این مدت افزود که برای دوره ششم مدت
سه سال یا چهار سال هر طور که مجلس
صلاح بداند معین بشود تا آقایان موفق
شوند قوانین اساسی و مقدماتی مملکت را
بگذرانند .
الآن بعقیده بنده تمام وزارتخانهها
بر خلاف قانون تشکیل شده است و تمام
این وزارتخانهها فاقد قوانین تشکیلاتی
هستند فقط یکی دو وزارتخانه یکی معارف
است که یک قانون اساسی برایش نوشته
شده که برخلاف آن رفتار شده است و یک
ادارات عریض و طولبی تشکیل داده اند
که باید مجلس آنها اصلاح کند و بالاخره
مجلس باید قانون تشکیلات مالیه را تهیه
کند .
همچنین تجدید نظر در قانون اصول
تشکیل عدلیه بنماید .
همینطور سایر وزارتخانهها را
خلاصه اینکه کارهای مجلس شورای ملی

مملکت خیلی زیاد است و باید وقت
لازم دارد و الا اینکه طی تجدید انتخابات
بشود و در هر دوره یکی دو قانون بگذرد
کافی نیست .
مخبر - یک جمله را نماینده محترم
راجع بدوسال فرمودند و فرمودند که ممکن
است با قانون اساسی مخالفت داشته باشد
بنده یک همچو چیزی شنیدم و باید توضیح
بدهم که اینطور نیست .
قانون اساسی ابتدا مدت را دوسال
معلوم کرده بود عده و کلاه را هم صد و
سی و شش نفر طرز انتخاباتشان هم صنفی بود
در تاریخ دوازدهم جمادی الثانی ۱۳۲۷
یا یک قدری جلوترش یک کمیسیون در
طهران تشکیل شده است که اعضا آن
کمیسیون آقایان
فرمانفرما - مشیرالدوله - مؤتمن الملک
مستوفی الاموالک - صنیع الدوله - مغیر الملک
و جماعتی دیگر بودند اینها برای اصلاح
این قانون که یک منافاتی با قانون اساسی
ممکن بود پیدا کند نشستند و مراجعه کردند
به آراء عمومی که اجازه بدهند اصلاحاتی
بشود و اگر منافاتی با قانون اساسی دارد
عبوش مرتفع شود و انجمنهای ایالتی و ولایتی
که در آن موقع مشکل بوده است اختیار
اصلاح را به انجمن ایالتی آذربایجان
واگذار کردند
انجمن ایالتی آذربایجان هم با این
کمیسیون موافقت کرده و اختیار اصلاح
قانون انتخابات را بمجلس دوم داده بر حسب
این جمله که در جدول قانون انتخابات دو
درجه نوشته شده است .
انتخابات اول انتخاب صنفی بود
انتخاباتی که این آقایان قانونش را
نوشته پس از مراجعه آراء عمومی دو
درجه بود که مجلس دوم هم بموجب آن
قانون تشکیل شد .
در مقدمه این قانون مینویسد
علیهذا با رعایت ملاحظات مرکز
آذربایجان این نظامنامه تعریض و تنظیم شد
در تحت این ملاحظه که مجلس شورای ملی
بمذاکره آنکه بیاریکی افتتاح یافت بموجب
اختیاری که در قانون اساسی برای او مقرر
است در استقراریا جرح و تمذیل هر یک از
مواد نظامنامه آنچه صلاح دانند منظور
فرماید .
اختیار تغییر مواد اصول قانون اساسی
که منافات با قانون انتخابات داشته باشد
بمجلس دوم داده شده .
مجلس دوم در تاریخ بیست و یکم ذی
قعدة یک طرح قانونی که در کمیسیون
تعییر و کمیسیون معارف تنظیم شده بود
و مخیر آن کمیسیون هم آقای ذکا الملک بود
آورد بمجلس در تحت دو ماده و امتداد
مجلس را رای دادند و مجلس بآن قانونهم
عمل کرد و مدتی بعد از دوسال هم نشست .
(بعضی از نمایندگان - صحیح است)

و اگر هم مدت زیاد شود هیچ منافاتی با قانون اساسی ندارد در مجلس سابق هم واپرسی از کمیسیون تجدید نظر داده شد مدت را سه سال در نظر گرفته بود که متناوباً انتخاب در درجه بران باشد هر سال نیک از کلاسه انتخاب نشان تجدید شود که مجلس دائماً مشکل باشد و تعطیلی بین مجالس پیش نیاید.

اعتراضاتی هم در آن مجلس شد ولی مجلس آنها را قابل توجه ندانست ولی در دوره کمیسیون برای اینکه کاملاً نظریه آقایان نمایندگان معترض را اطلاع نداشت باین جهت همان دو سال را در برابر پیشنهاد کرد حالا اگر آقایان پیشنهاد پیشفرضی دارند بفرمایند بکمیسیون مراجعه شده و در آنجا در مشافهه و تجدید نظر میشود.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

بعضی از نمایندگان - کافی نیست.

رئیس - رأی می گیریم.

آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند.

(اغاب قیام نمودند)

رئیس - اکثریت است.

ماده شصت و شش و (اینطور قرائت شد)

ماده شصت و ششم دولت مکلف است شش ماه به آخر دوره تقنینیه مانده وسائل انتخابات جدید را برای کلیه مملکت تهیه بطوری که لااقل چهار ماه به آخر دوره تقنینیه مانده در کلیه نقاط شروع بانقلاب شود.

رئیس - آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی - عرضی ندارم.

رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

آقا شیخ محمد علی طهرانی - مرضی ندارم.

رئیس - آقای شیروانی (اجازه)

مقصود این ماده است که آزادی مردم را تضییع کرده باشد که هر کس را میباید دارند انتخاب کنند خواه اینکه آن شخص سابقاً وکیل شده باشد یا نشده باشد.

راجع بعرفیت معلی فرمودند آن قسمت مربوط باین ماده نیست و جزء شرایط انتخابات در این قانون ذکر شده فرضاً مردم یک کسی را انتخاب بکنند که او واجد شرایط نباشد البته انتخاب او صحیح نیست پس این اعتراض آقا وارد نیست و جای تکراری هم نیست.

مخبر - برای اینکه بیشتر روشن شود عرض میکنم چون در ماده پیش منویسه شش ماه به آخر دوره باید شروع بانقلابات شود.

ممکن بود توهمی شود که وکیل مشغول کار مثلا ممکن است یک احوال نفع دهائی بکند و باید او را محروم کرد؛ برای رفع این توهم ها این ماده نوشته شده است و گمان میکنم ضرر هم ندارد.

ماده شصت هفتم - مردم میتوانند هر یک از منتقین سابق را اگر بخواهند دومیته

انتخاب کنند.

رئیس - آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی - عرضی ندارم.

رئیس - آقای حاج آقا فاسعل (اجازه)

حاج آقا فاسعل عراقی - بنده با هياتش مخالفم.

رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

آقا شیخ محمد علی طهرانی - مرضی ندارم.

رئیس - آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی - اگر مقصود از این ماده اینست که هر کوی در حوزه انتخابیه خودش با شرط معروفیت معلی میتواند انتخاب شود این توضیح واضحات صحیحی است. مثل اینست که بگوئیم حالا روز است و اگر مقصود اینست که مردم میتوانند کسی را که انتخاب شده است بدون رعایت معروفیت مجلس مجدداً انتخاب کنند؟

یعنی وکیل آذربایجان وقتی بیک مرتبه وکیل شد از معروفیت مجاس برای دوره بعد مستثنی باشد و در اصفهان هم بتواند وکیل شود.

اگر مقصود از ماده اینست که کاملاً بنده موافقم.

ولی اگر اینست که مثلا آقای مدرس دومیته میتواند از تهران انتخاب شوند؟ این توضیح واضحات است و گمان نمیکنم لازم بفرماید.

رئیس - آقای اخگر (اجازه)

اخگر - آقای شیروانی فرمودند این توضیح واضحات است معذک باین واضح مخالفت فرمودند.

مقصود این ماده است که آزادی مردم را تضییع کرده باشد که هر کس را میباید دارند انتخاب کنند خواه اینکه آن شخص سابقاً وکیل شده باشد یا نشده باشد.

راجع بعرفیت معلی فرمودند آن قسمت مربوط باین ماده نیست و جزء شرایط انتخابات در این قانون ذکر شده فرضاً مردم یک کسی را انتخاب بکنند که او واجد شرایط نباشد البته انتخاب او صحیح نیست پس این اعتراض آقا وارد نیست و جای تکراری هم نیست.

مخبر - برای اینکه بیشتر روشن شود عرض میکنم چون در ماده پیش منویسه شش ماه به آخر دوره باید شروع بانقلابات شود.

ممکن بود توهمی شود که وکیل مشغول کار مثلا ممکن است یک احوال نفع دهائی بکند و باید او را محروم کرد؛ برای رفع این توهم ها این ماده نوشته شده است و گمان میکنم ضرر هم ندارد.

و یک ماده دیگری هم هست که از نظر رفته است نوشته شود و باید آنرا ماده ۶۷ قرار داد.

اینست که با قانون انتخابات مجلس شورای ملی مصوبه بیست و هشتم شوال مطابق بیست و نهم میزان هزار و سیصد و بیست و نه پس از تصویب این قانون ملغی و از درجه اعتبار ساقط است.

رئیس - آقای دست غیب (اجازه)

دست غیب بنده چون موافق با قانون اساسی هستم از این جهت ...

(همه بین نمایندگان)

شیروانی - کسی مخالف نیست؟

دست غیب - اثبات شیئی که نفی ما عدا نمیکنند بنده موافقم منبایش این نیست که آقایان دیگر مخالفند. از این جهت عرض میکنم لازم نیست تمام مواد قانون اساسی را عیناً اینجا نقل کنند.

برای اینکه ماده قانون اساسی این است که هر یک از نمایندگان گمان را میتوانند دومیته انتخاب کنند این دیگر لازم بفرماید نبود نمیدانم دیگر ذکرش برای چیست؟ بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - کافی است؟

بعضی از نمایندگان - بلی - کافی است.

رئیس - پیشنهادها قرائت میشود.

(شرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد آقای کازرونی - بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۶۷ حذف شود.

پیشنهاد آقای آقا میرزا جواد خان - بنده پیشنهاد میکنم که عبارت ماده ۶۷ باین ترتیب اصلاح شود:

ماده ۶۷ اهالی هر محل میتوانند هر یک از منتقین سابق را اگر بخواهند دومیته انتخاب کنند.

پیشنهاد آقای عراقی - بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۶۷ در عوض عبارت دومیته مجدداً نوشته شود.

پیشنهاد آقای قائم مقام - بنده پیشنهاد میکنم چون مفاد این ماده اخیر در قانون اساسی مصرح است بکلی حذف شود.

پیشنهاد آقای مشارعظم - چون در اصل پنجم قانون اساسی موضوع امکان انتخاب ثانوی نمایندگان تصریح شده است.

بنا بر این ماده ۶۷ بنظر بنده زیاد نیاید و عقیده دارم آنرا حذف فرمایند.

رئیس دو فقره ماده العاقبه رسیده است قرائت می شود.

(شرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد آقای یاسائی بنده ماده العاقبه را پیشنهاد میکنم

ماده العاقبه - نمایندگان دوره ششم تقنینیه باالخصوص فقط برای یکمرتبه از طرف ملت حق تجدید نظر در قانون اساسی و متمم آن خواهند داشت.

و رأی دهندگان با هم بین اختیار آنها را انتخاب خواهند کرد.

یاسائی - بیشتر از افرادی که علامتند سیاست این مملکت هستند چه در داخل مجلس چه در خارج این نظریه را دارند که بیک تجدید نظری در قانون اساسی شود.

(همه بین نمایندگان - صدای زنك)

عراقی - پس همه ندارند.

یاسائی - در دوره ششم بنده قول میدهم خیلی از آقایان تشریف داشته باشند آنوقت قانون اساسی که اصلاح میشود آقایان خواهند دید که خیلی از مواد قانون اساسی هست که لازم تجدید نظر است. اغلب از مواد قانون اساسی ملاقاتی شده و خیلی هست که نایده ندارد و این قوانینی که دوره اول و دوره دوم نوشته شده غالباً دارای تناقضات و نواقصی هست از قبیل دستور العمل حکام قانون تشکیل ایالات و ولایات قانون انجمنهای ایالتی و ولایتی - اینگونه قوانین.

یکتفر از نمایندگان - اینها غیر از قانون اساسی است.

یاسائی - قانون اساسی را هم اشخاصی که نوشته اند با کدام صلاحیت نوشته اند که میگویند.

جمعی از نمایندگان (بطور همه) - خیلی صلاحیت داشته اند.

(صدای زنك رئیس)

یاسائی اشخاصی که قانون اساسی را نوشته اند صلاحیتشان بیش از بنده و سایرین نبوده است.

(همه بین نمایندگان)

یکتفر از نمایندگان - خیلی بیشتر بوده.

(صدای زنك)

یاسائی - بخصوص این مطلب مقدمه بنده این است آقایان مخالف هستند باشند.

(همه بین نمایندگان - صدای زنك رئیس)

مدرس - منکر مشروطیت نیستید میگویند اصلاً انتخابات نشود.

یاسائی - بنده معتقدم دوره ششم و کلانی که انتخاب میشوند باید سوابقی که هستند بتوانند حق داشته باشند تجدید نظر نمایند.

بنده با یک قسمتهائی از قانون اساسی از قبیل مجلس سنا مخالفم و عقیده دارم که باید قانون اساسی را از نو نوشت و عقیده ام این است بر طبق مقتضیات امروزی باید تجدید نظر شود.

آقایان هم هستند مشکلاتی هم که بنظرشان می آید در اینجا حل نمینمایند به هودنجال که نمیشود نتیجه احساسات و عقاید از بین برد و خفه کرده تنها بنده این عقیده دارم.

حاج میرزا عبدالوهاب - آقای نجات هم دارند.

یاسائی - خیلی هستند این عقیده را دارند اگر یک کسی در یک مملکت دارای یک عقیده بود و در اولت بود باید او را کشت بنده عقیده ام این است که این قانون اساسی خیلی از موادش قابل تجدید نظر است و اگر میل دارید بروم پشت تریبون و یکی موادش را بخوانم که خودتان تصویق بفرمائید باید تجدید نظر شود.

مدرس - ما قابلیت اصلاح قانون انتخابات را نداریم.

رئیس - ماده العاقبه است حالا که قابل توجه نمیشود ارجاع میشود بکمیسیون ماده دیگری هم پیشنهاد کرده اند قرائت میشود.

(شرح ذیل قرائت شد)

بنده ماده العاقبه ذیل را پیشنهاد می کنم.

ماده العاقبه هر وزیر یا مامور دولتی که از اقتدار مقامی و اختیار اداری خود سوء استفاده کرده اعمال نفوذی در انتخابات عمومی بنماید و تعلیمات شفاهی یا کتبی یا کشفی یا رمزی برای پیش رفت کاندیدای شخصی خود رأساً یا به تقاضای دیگری صادر کند مجرم شناخته شده علاوه از انفصال به محکمه جنائی جلب گشته و مجازات قانونی خواهد رسید یاسائی

رئیس - ارجاع می شود بکمیسیون پیشنهاد آقای دامغانی (شرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم رأی در شورای عالی موقوف باشد و تا صورت حوزه بندی ها ضمیمه این راپورت نشود شور اول آن تمام نشود.

شریعتمدار دامغانی - عقیده بنده در قانون انتخابات قدیم به موضوع است که باید رعایت شود و اصلاح شود یکی جلوگیری از نفوذ حکومتهای وقت.

حکومتهای مرکزی و حکومتهای ولایات و باید موادی تنظیم شود که نفوذ آنها در انتخابات تأثیر نداشته باشد.

یکی هم جلوگیری از نفوذ انجمنهای که نظار در فرع یا در اصول که دسایس و تمایلات آنها تأثیری در انتخابات نداشته باشد.

قسمت سوم که مهمتر از همه است صورت حوزه بندی ها و تقسیمات حوزه ها است و باید یک اصلی قائل بشوند و مطابق آن اصل نمایندگان را بنقاط تقسیم کنند که که قدر از مردم باید یک وکیل انتخاب

کنند روی پنجاه هزار نفر یا صد هزار نفر و چنانکه همه آقایان تصدیق دارند تقسیمات اولیه را که مدو کلا بولایات تقسیم شده است غیر عادلانه بوده است و معلوم نیست از روی چه نظری تقسیم شده است در بعضی جاها زیاد تر دارند بعضی جاها کمتر از روی چه نظر این تقسیمات را کرده اند معلوم نیست و البته معلوم است این تقسیمات حوزه بندی ها را نمی توان حق مختص وزارت داخله دانست و نمیتوان حق مختص کمیسیون دانست و نمیتوان حق بالا اشتراك هر دو دانست و البته باید مجلس بیاید.

پس در این صورت حوزه بندی ها هم باید در کمیسیون یا نظر وزارت داخله تنظیم شود بیاید بمجلس ضمیمه شود و همین طور مثل سایر مواد این قانون شور اولش شود برای شور ثانی همه این مواد برگردد به کمیسیون که تجدید نظر شود باین جهت بنده پیشنهاد می کنم که تا صورت حوزه بندی ها را بکمیسیون نظر وزارت داخله تنظیم نگردد در شور ثانی نشود رأی داد.

مخبر - این فرمایشات آقای شریعتمدار باینکه صریحاً مخالفت خودشان را با اصلاح قانون انتخابات اظهار می فرمودند هیچ فرقی نداشت و ما بهتر میفهمیم تا این فرمایشات را بکنند.

راجع بجدول انتخابات وزارت داخله هنوز اطلاعات خود را کاملأ تحصیل نکرده و تا شش ماه با آخر دوره مانده هم اطلاعاتش بقدری نمیشود که یک جدولی بآن شکلی که همه نمایندگان اطمینان داشته باشند ترتیب و بمجلس عرضه یابد و فقط این اطلاعات تا همین رادر شور ثانی ضمیمه راپورت کمیسیون می کنیم و تقدیم آقایان می کنیم و آقایان مطالعات فرمایند و هر نظری هم دارند اظهار کنند پس قانون را نباید معطل کرد که آیا فلان ناحیه که توقع وکیل زیادی می کنند حق دارند یا ندارند.

یک جمله دیگری که لازم است بعرض آقایان برسانم این است که کمیسیون خیلی مسرور است اگر آقایان فرمایشی داشته باشند یا پیش نهادی باشد یا اصلاحاتی در نظر دارند تشریف بیاورند آنجا نظر به شان را بفرمایند یا مرقوم بفرمایند کمیسیون انحصاری هم بداخلی مجلس نداده پیشنهاداتی هم که از خارج رسیده باز تحت مطالعه قرار داده.

آقای زنجانی کدر دوره پیش مخبر کمیسیون بودند ایشان هم یک اطلاعائی فرستادند آنها را هم کمیسیون طرف توجه قرار داده که درش مطالعه بشود.

خوب است آقایان هم که یک اطلاعات خوبی دارند همراهی بکنند و یک قانون خوبی در شور ثانی از کمیسیون بیرون بیاید که مجلس پنجم موفق بشود یک قانون خوبی تصویب کند.

رئیس - آقایانی که پیش نهاد آقای دامغانی را تصویب می کنند قیام فرمایند.

(عده کمی برخاستند)

رئیس - تصویب نشد. رأی میگیریم به شور ثانی این قانون آقایانی که شور ثانی را تصویب می کنند قیام فرمایند.

(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد. راجح بتأدیه مطالبات اتباع داخله لایحه از طرف دولت پیشنهاد شده است که تقاضای فوریت شده بود بنابراین طبع و توزیع شود طبع و توزیع هم شده است.

رئیس - تصویب شد. راجح بتأدیه مطالبات اتباع داخله لایحه از طرف دولت پیشنهاد شده است که تقاضای فوریت شده بود بنابراین طبع و توزیع شود طبع و توزیع هم شده است.

آقای زهریم.

رئیس - بنده آن پیش نهاد خودم را مسترد می کنم چون پیش نهاد دولت را که خواندم دیدم مطالعات بیشتری لازم دارد.

رئیس - آقای یاسائی تقاضای فوریت می کنید؟

یاسائی - خیر بنده راجح بدستور عرض دارم.

رئیس - خوب این مسئله دیگر مطرح نمیشود.

اخگر - بنده تقاضای فوریت کردم.

رئیس - بفرمایند.

اخگر - گمان میکنم محتاج بتوضیح نباشد که معاملات بین مردم دولت باید تأمین بشود و دولت باید بین مردم اعتبار داشته باشد و امضای دولت پیش مردم معتبر شود وقتی امضای دولت پیش مردم معتبر شد آن وقت ممکن است یک قدم های اقتصادی فوق العاده برداشته شود و یکی از دلایلی که در این مملکت شرکت هائی تأسیس نمی شود برای این است که مردم نمی توانند پول خود را بجز باین بیندازند و برای عدم اعتباری است که مردم نسبت بدولت پیدا کرده اند دولت هم نمیتواند اقداماتی که میخواهد بکند.

بنابر این بنده پیشنهاد کردم که در این لایحه فقط یک شور شود.

رئیس - آقای زعیم (اجازه)

زعیم - بنده پیشنهادی تقدیم نموده ام.

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - چون راجح به امور مالی است یک شور که بیشتر ندارد.

بعضی از نمایندگان - دو شور می شود.

کازرونی - خوب در هر صورت بنده این مسئله را یکی از مسائل فوری و فونی نمی دانم که بگوئیم یک شور بود چه اهمیتی

دارد اگر در آن دو شور بشود؟

رئیس - رأی میگیریم بقرورت آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند.

(ممدودی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد. پیشنهاد آقای مستمد السلطنه قرائت میشود.

(شرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد می کنم لایحه دوازده نفر مستخدمین بلژیک بمادز اتمام قانون انتخابات در جلسه امروز جزء دستور شود.

رئیس - آقای مستمد السلطنه (اجازه)

مستمد السلطنه - مسهتی است چند فقره از لوایح کمیسیون بودجه تمام شده و طبع و توزیع هم شده است و یکی از آنها راجح بدوازده نفر مستخدمین بلژیکی است که مسهتی است تمام شده و بالاخره باید تکلیفش از طرف مجلس معین شود و خیلی هم مختصر است و شاید در یک ربع ساعت تمام شود.

لهذا بنده پیشنهاد کردم جزء دستور شود.

رئیس - آقایانی که پیش نهاد را تصویب می کنند قیام فرمایند.

(عده قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد.

آقای اخگر پیشنهاد کرده اند لایحه اوزان و مقادیر جزء دستور شود.

آقایانی که این تقاضا را تصویب میکنند قیام فرمایند.

(عده قیام نمودند)

تصویب نشد.

آقای آقاسید یعقوب پیش نهاد کرده اند لایحه اجازه صدور پوست بره مطرح شود.

آقایانی که این پیش نهاد را تصویب می کنند قیام فرمایند.

(عده برخاستند)

رئیس - تصویب نشد.

چند دقیقه تنفس داده می شود.

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - حمی از آقایان تقاضا کرده اند که قانون نظام اجباری مطرح شود.

آقای شریعت زاده (اجازه)

شریعت زاده - اهمیت قانون نظام اجباری بر هیچیک از آقایان نمایندگان پوشیده نیست.

لهذا بنده پیشنهاد کردم عجلانمایی امروز مطرح شود.

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

(خبر از کمیسیون مبتكرات مجلس شورای ملی شید الله ارکانه)
 کمیسیون مبتكرات طرح قانونی آقائی درامانرا در خصوص قطع و ترجمه کتب از السنه خارجه بزبان فارسی مورد شور فرار داده وطرح مذکور را قابل توجه دانسته و تقاضا داده که کمیسیون معارف ارجاع شود .
 رئیس - آقای آقاسید یعقوب (اجازه)
 آقاسید یعقوب بنده میخواستم عرض کنم چون قبال راجع باین طرح صحبت شد و مجلس قبول نکرد . حالا دومرتبه قرائت شد بنده این را تذکر آ عرض میکنم که چه طور شده است قبول می شود ؟
 برای اینکه این همان چیزی است که قبلا قابل توجه نشد نمی دانم این چه صورتی دارد ؟
 رئیس - چون رأی داده شد که راپورت های کمیسیون مبتكرات بترتیب مطرح شود در واقع آن رأی اولی نقض شد .
 سر کیشکرزاده مغیر کمیسیون مبتكرات برای استحضار خاطر آقایان نمایندگان معترم مجبور عرض کنم که کمیسیون اخیر تقاضا کرده است این طرح بکمیسیون بودجه مراجعه شود .
 رئیس مخالفی ندارد .
 (گفتند خیر)
 رئیس - رأی میگیریم بقابل توجه می این طرح - آقایانی که قابل توجه می قیام فرمایند .
 (اغلب قیام نمودند)
 رئیس - قابل توجه شد .
 مراجع میشود به کمیسیون بودجه .
 قرائت میشود .
 (بمضمون ذیل قرائت شد)
 ماده واحده - وزارت پست و تلگراف مکلف است که وسایل و مقدمات امتداد سیم تلگراف را از ابتدای حمل ۱۳۰۴ از شیراز - سروستان - جهرم - فسا و لار تا بندر اتک و تاسیس سرویس پست را در نقاط لازمه فارس پیش بینی نموده و مخارج آنرا در ضمن بودجه سنه ۱۳۰۴ تقدیم مجلس شورای ملی نماید .
 (خبر از کمیسیون مبتكرات مجلس شورای ملی شید الله ارکانه)
 با حضور رؤساء کل پست و تلگراف طرح قانونی آقای سردار عشار دایر سه تاسیس سرویس تلگراف و پست از شیراز سروستان - جهرم - فسا - لار و تا بندر لنگه در کمیسیون مبتكرات مطرح گردید نمایندگان وزارت پست و تلگراف دلایلی بر لزوم ایجاد این قبیل سرویسها افاده نموده و با طرح مذکور موافقت صکرده نماینده مالیه نیز که حضور داشت با اصل

موضوع موافق و در خصوص بودجه آن از اظهار عقیده خودداری نمود .
 بنا بر این کمیسیون مبتكرات موافقت خود را با اصل موضوع اظهار و این طرح را قابل توجه دانسته تقاضا دارد بکمیسیون های پست و تلگراف و بودجه ارجاع شود
 رئیس - آقای اخگر (اجازه)
 اخگر - بنده موافقم
 رئیس - آقای دستغیب (اجازه)
 دستغیب - موافقم
 رئیس - آقای داور (اجازه)
 داور - موافقم
 رئیس - مخالفی هست (گفتند - خیر)
 رئیس - رأی میگیریم بقابل توجه بودن این طرح آقایانی که قابل توجه می دانند قیام فرمایند (اکثر برخاستند)
 رئیس - قابل توجه شد .
 طرح پیشنهادی آقای کی استوان قرائت میشود .
 (بترتیب ذیل قرائت شد)
 ماده واحده - کلیه کشتی های آهنی بخاری ساخت خارجه تحت بیق ایران و ماشینها وقضعات و آلات و ادوات آنها که ایرانیان به ملکیت ایرانی وارد آب های ایران مینمایند از پرداخت حقوق گمرکی و عوارض معاف میباشند
 (خبر از کمیسیون مبتكرات به مجلس شورای ملی)
 کمیسیون مبتكرات طرح آقای کی - استوان را در خصوص معافیت کشتی ها و آلات و ادوات آنها از حقوق گمرکی با حضور نماینده مالیه مطرح نمود و با موافقت ایشان بطرح مذکور رأی گرفته و قابل توجه گردید .
 تقاضا داد بودجه کمیسیون قوانین مالیه ارجاع فرمایند .
 رئیس - آقای آقاسید یعقوب (اجازه)
 آقاسید یعقوب - بنده موافقم
 رئیس - آقای دستغیب (اجازه)
 دستغیب - بنده موافقم
 رئیس - آقای عماد السلطنه - مرضی ندارم
 رئیس - آقای تدین (اجازه)
 عماد السلطنه - مرضی ندارم
 قلدین - بنده درست مطلب را نفهمیدم که آیا مقصود این است که کشتی ها از حقوق گمرکی معاف باشد یا محمولات کشتی ها برای اینکه کشتی که وارد خاک میشود که از آن گمرک بگیرند

اخگر - میگردند
 قلدین - اجازه بدهید آقا پیش از بنده منبر نروید . بنده خیلی منبر رفته ام - اگر مقصود اینست که بکمیسیون کشتی اتباع ایران بفرستند و در یکی از دریاها متصل بایران که ایران هم در آن ذینفع است از قبیل بحر خزر یا خلیج فارس و در آنجا مشغول کار شوند و تجارت و بازرگانی کنند اینها از حقوق گمرکی معاف باشند که بنده اصلا نمیدانم آیا همچو چیزی میج وقت معمول بوده است که اگر یک کشتی بیاید و در آبهای بحر خزر بفرماید سر کشته و متعلق باتباع داخله باشد بخواهند از او گمرک بگیرند ؟
 بنده نمیدانم که آیا این مسئله سابقه داشته است یا نه حالا بر فرض هم سابقه هم داشته باشد
 بنده اساساً مخالف باین حاتم بخشی ها هستم ما وقتی که میخواهیم یک شاهی مایدات برای ملکیت درست کنیم فریادها در اینجا از اطراف بلند میشود ولی از آن طرف برای کسر کردن مایدات از حاتم طائی هم میگردیم .
 بنده عرض می کنم بجه مناسب یک کشتی که چندین هزار تومان قیمتش است و فقیر هم نمیتواند آن کشتی را خریداری نماید و بکمیسیون سرمایه دار یا تاجر و حالاسر - ماهراز بان اصلاح معمول نخواستم عرض کنم (بکمیسیون آدمی که قادر باشد بخرد کشتی و چندین هزار تومان بدهد کشتی بخرد ما باید او را معاف کنیم ؟
 بنده با این کسر بودجه که داریم مخالف با این اصول هستم آقایانم برای اینکه از سر خودشان رفع کنند باین طرحها رأی می دهند و میروند بکمیسیون بودجه و مجلس برمی گردد با همان جواب منفی که در مقدمه راپورت نوشته شده است که مایند وزارت مالیه اظهار عقیده نکرده است
 معذک ما رأی میدهم که بودجه کمیسیون آخر فکر یکمشت اعضای خودتان را راهم که در کمیسیون هستند بکنند و بالاخره راپورت های هم که داده میشود طرف اعتراض واقع می شود که کمیسیون بودجه نخواسته است کار کند
 بهر حال حالا بنده باین قسمت ها کار ندارم و در موقتش عرض میکنم ولی نسبت باین موضوع کاملاً مخالفم زیرا ما نمایان نوع حاتم بخشی ها کنیم و حتی کشتی را هم از گمرک معاف کنیم .
سر کیشکرزاده مغیر کمیسیون در موقتی که این طرح را آقای کی - استوان تقدیم کردند در میان اعضای کمیسیون هم اشخاصی بودند که فکر می کردند آیا همچو چیزی ممکن است یا نه ؟
 چون يك همچو چیزی تابعال در ایران سابقه نداشته است که يك تجاری يك

کشتی بزرگی وارد کند و از او مطالبه گمرک نمایند .
 بنا بر این ما مجبور شدیم از وزیر مالیه تقاضا کنیم که بارتیس کل گمرکات مذاکراتی بنمایند
 نماینده وزارت مالیه هم رفت و بارتیس کل گمرکات ملاقات کرد و رئیس کل گمرکات نسبت کشتی های کوچکی که مثلا در انزلی یا خلیج فارس مشغول کار کرده بودند که نباید يك همچو طرحی پیشنهاد شود زیرا خود ما همین کار را خواهیم کرد . در این صورت آقای تدین باید تصدیق فرمایند وقتی دولت خودش نهایت موافقت را داشته باشد کمیسیون مبتكرات حق ندارد بگوید خیر
 زیرا ما کاسه گرم تر از آتش نمیتوانیم باشیم اما راجع بفرمایشاتی که فرمودید راجع بکمیسیون بودجه البته تصدیق میفرمایند که رأی بقابل توجه بودن رأی قطعی مجلس نیست یعنی آن احترامی که رأی قطعی دارد يك اندازه کمتر رأی بقابل توجه بودن دارد . به همین دلیل است اصلاحاتی که پیشنهاد میشود بقابل توجه بودنش رأی داده میشود بکمیسیون ممکن است قبول کند ممکن است رد کند
رئیس - رأی گرفته میشود آقایانی که این طرح را در مجلس رای بدهند زیرا ایران دارای کشتی نیست و از این حیث يك تشویقی از کشتی بشود و کشتی در آب های ایران بیاید .
 این را رأی ندانند برای خاطر این که يك تحسلی بر بودجه دولت خواهد شد يك کسری از يك عواید موهومی شود اما در اینجا ملاوتی وارد می شویم در ایران برای مدرسه دارالفنون و مدرسه حقوق بی دینی می آوردند در کمیسیون بودجه هم برنوسور فلان و برنوسور فلان و برای اینها حقوق معین می کنند این ها برای چیست ؟
 برای این است که شاگردان مارا تربیت کنند
 مدرسه حقوق را رأی دادیم دارالفنون را رأی در صورتی که که طبقات ایرانی هاهم آنهائی که قدرت دارند اولادشان را روانه می نمایند و اینجا ما می خود يك تحمیلی بر بودجه خواهیم کرد .
 وقتی هم که وارد در عمل می شویم چنانکه خود آقایان تصدیق می کنند از یک از طبقه سوم و چهارم يك نفر روانه نمی شود . حالا شما خواهید فرمود که ما نظارت می کنیم و روانه خواهیم شد .
 بنده عرض می کنم خبر نخواهد شد برای این که در دوره سوم و چهارم هم این رأی داده شد
 باز وقتی ما بدیم آن طبقه سوم و چهارم

فرمایند .
 (عده کثیری قیام نمودند)
رئیس - قابل توجه نشد .
 پیش نهاد جمعی از آقایان راجع باهمام محصلین بارویا .
 (بمضمون آتی خوانده شد)
 خبر از کمیسیون مبتكرات به مجلس شورای ملی
 کمیسیون مبتكرات طرح قانونی آقای مشیر معظم رومی از نمایندگان معترم راجع باهمام محصلین بارویا اساساً قابل توجه دانسته و تقاضا دارد بکمیسیون معارف رجوع شود
رئیس - مخالفی ندارد ؟
آقاسید یعقوب - بنده مخالفم .
حاج میرزا عبدالوهاب - همه مخالفیم .
شیروانی - اینطور نیست همه موافقت قطعیکنند مخالف است .
رئیس - آقای آقاسید یعقوب (اجازه)
 آقاسید یعقوب - بنده خواستم توجه آقای تدین را باین مسئله متوجه کنم که ماهیسه متوجه هستیم برفع ملتزیر اماو کیل ملت هستیم .
 در همین مسئله راجع بکشتی های بنده بقدری کاهیب بودم که مجلس رای بدهد زیرا ایران دارای کشتی نیست و از این حیث يك تشویقی از کشتی بشود و کشتی در آب های ایران بیاید .
 این را رأی ندانند برای خاطر این که يك تحسلی بر بودجه دولت خواهد شد يك کسری از يك عواید موهومی شود اما در اینجا ملاوتی وارد می شویم در ایران برای مدرسه دارالفنون و مدرسه حقوق بی دینی می آوردند در کمیسیون بودجه هم برنوسور فلان و برنوسور فلان و برای اینها حقوق معین می کنند این ها برای چیست ؟
 برای این است که شاگردان مارا تربیت کنند
 مدرسه حقوق را رأی دادیم دارالفنون را رأی در صورتی که که طبقات ایرانی هاهم آنهائی که قدرت دارند اولادشان را روانه می نمایند و اینجا ما می خود يك تحمیلی بر بودجه خواهیم کرد .
 وقتی هم که وارد در عمل می شویم چنانکه خود آقایان تصدیق می کنند از یک از طبقه سوم و چهارم يك نفر روانه نمی شود . حالا شما خواهید فرمود که ما نظارت می کنیم و روانه خواهیم شد .
 بنده عرض می کنم خبر نخواهد شد برای این که در دوره سوم و چهارم هم این رأی داده شد
 باز وقتی ما بدیم آن طبقه سوم و چهارم

که واقفایاید اولادشان يك علم و مقامانی پیدا کنند نرفتند پس اگر نظر آقایان کمک کردن بطبقه اول است آنها خودشان شوق دارند و روانه می کنند بهترین است در عرض این ترتیب بسط مدارس و مکاتب در دهات بشود و این ها را زیاد کنید .
 معلمین دار الفنون مدرسه را بستند اما مکاتب طهران بکلی تعطیل شده است
 این ها را آقایان نمی بینند رومی فرمایند يك عده محصل برود بارویا بنده کمال موافقت را دارم
 ولی کلام در سر عملی شدن و ذی نفع بودن طبقه سوم و چهارم است .
 بنده عرض می کنم عوض این مساعدت هم راهی بقرمانند که دارالفنون مارا ببندد و کار بکند
 مدارس عالییه دیگری که داریم را اینها را تشویق بکنند چیران کسر بودجه اینها را می کنید .
رئیس - آقای اخگر (اجازه)
اخگر - متأسفانه چون اصل پیش نهاد قرائت نشده است ممکن است يك اشتباهی حاصل شود برای بعضی از آقایان و ممکن است تصور بفرمایند که پیش نهاد شده است يك میلیون تومان دولت بدهد و يك عده را بارویا بفرستند بدون اینکه يك تک کانی طرف توجه شده باشد
 خیر این پیشنهاد برای این مقصود است که يك عده معینی را در سال بارویا بفرستند و بعد هم مخارج تحصیل آنها را بطور استهلاك از آنها مسترد می دارند و طبقه سوم هم در اینجا مقدم بر سایر طبقات شناخته شده و اگر آقایان لازم بدانند
 اصل مواد قرائت شود انگارانی شان رفع خواهد شد و می دانند که يك پیش نهاد مهمی است
 و حالا اگر حقوق معلمین دارالفنون نرسیده است این مسئله لازمه اش این نیست که ما این اصلاح و کار خوبی را که در نظر داریم بدو لا بیندازیم و رد کنیم .
رئیس - رأی می گیریم بقابل توجه بودن این طرح .
 آقایانی که این طرح را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)
رئیس - قابل توجه شد .
 پیش نهاد شاهزاده سلیمان میرزا و چند نفر از آقایان راجع بتبديل تاریخ رسمی مملکت بترتیب سال های شمسی قدیم .
 کمیسیون مبتكرات طرح قانونی شاهزاده سلیمان میرزا و جمعی زآدر خصوص تبديل برج بناهای جلالی مورد شور فرار داده و آنرا قابل توجه میدانند و تمنا می که ارجاع بکمیسیون معارف را

رئیس - آقای اخگر (اجازه)
اخگر - موافقم
رئیس - آقای تدین (اجازه)
 تدین - موافقم
رئیس - شاهزاده غلامحسین میرزا (اجازه)
 شاهزاده غلامحسین میرزا - موافقم
رئیس - آقای آقاسید یعقوب (اجازه)
 آقاسید یعقوب - موافقم
رئیس - آقای غلامحسین میرزا (اجازه)
 غلامحسین میرزا - موافقم
رئیس - آقای مشار اعظم (اجازه)
 مشار اعظم - موافقم
رئیس - آقای زعیم (اجازه)
 زعیم - موافقم
رئیس - رأی می گیریم .
 آقایانی که این طرح را قابل توجه می دانند قیام فرمایند .
 (اکثر نمایندگان قیام نمودند)
رئیس - قابل توجه شد .
 طرح راجع با آزادی نطق کیلان (بمضمون ذیل قرائت شد)
 خبر از کمیسیون مبتكرات به مجلس شورای ملی
 کمیسیون مبتكرات طرح قانونی جمعی از نمایندگان راجع در خصوص آزادی قانون نفت کیلان قابل توجه دانسته و تقاضا دارد آنرا بکمیسیون فریاد عامه ارجاع فرمایند
آقاسید یعقوب - بنده مخالفم .
 رئیس بفرمایند .
 آقاسید یعقوب - این طرح را که آقایان پیش نهاد کرده اند يك مواد ظاهری دارد و وقتی آنها را نگاه کنیم می بینیم چقدر بحال مملکت نافع است .
 ولی وقتی داخل عمل میشود می بینیم در واقع اگر يك آمدیدی هم برای استخراج نفت آنجا هست میخواهیم بکلی از بین برود بفرمایند چه دلیل .
 در باد کوبه (بنده رفته ام يك سفری رفتم و از آنجا رفتم بشهد تمام اسبابی که يك تجاری یا يك صنی می تواند در آنجا چاه را کشف کند و نفت را از آنجا حمل کند برایش مهیا و حاضر است (همه قیام نمودند)
آقاسید یعقوب - صبر کنید این چاهایی صحبت خواهد شد . . .
شیروانی - هیچ صحبت ندارد
آقاسید یعقوب - عرض می کنم .
 قربان شاه اگر نظر این باشد که بخواهیم

این مسئله را بکلی غیر عملی کنیم و مدتها زیر خاک بیندازیم کنیم ؟ این يك حرفی است و این طرح برای این مسئله خیلی خوب است .
 ولی اگر این طرح برای عملی کردن باشد که بتوانیم از این منبع خداداد استفاده کنیم .
 بنده گمان میکنم نه دوره ما نه دوره بعد از ما بتوانند از این مر استفاده کنند چون وسائل استفاده از حیت راه داشتن از طریق تصفیه کردن از طریق جلوگیری نکردن دیوانه تمام این راهها بر ما مسدود است .
 پس اگر ما بخواهیم طوری بکنیم که این ملت دیگر نتواند از آن استفاده کند شاید این طرح خوب باشد .
 بعلاوه در دوره چهارم در کابینه آقای مستوفی الممالک آقای مخبر السلطنه که وزیر فریاد عامه بودند بنده هم آنوقت عضو کمیسیون نفت بودم لایحه آنرا آوردند در مجلس مطرح کردند و صحبت کردند و مجلس بقدری در مسئله نفت صحبت کرد که تاریخ او از تاریخ روضه الصفا بزرگتر شده است و یکی از لایحات خسه را به يك دلایلی تخفیف دادند بیک عده ای لایحه آن که از بین نرفته است .
 قانون آن که از بین نرفته است .
 پیش نهاد کنید که آن قانون را الغاء کنید .
 این مسائل تمام در دوره چهارم شده است و در همین کابینه آقای سردار سیه رئیس الوزراء لایحه اش را به مجلس پیش نهاد کردند .
 اکثریت بلکه با اتفاق هم اعتماد باین دولت داریم و حالان نمیدانم که این لایحه و پیشنهاد از کجا آمده است .
 الان سینگار که رفت آنطرف دنیا معلوم نیست که کی خبرش می آید .
 حالا مکنت پیشنهاد کنید خراسان را بدهند .
 ما زندران یا آذربایجان را بدهند .
 پس این يك چیزی نیست که ما بتوانیم يك لایحه که در دوره چهارم و دوره پنجم واقع شده است از آن صرف نظر کنیم از اینجهت بنده مخالفم
رئیس - آقای تدین
مغیر کمیسیون مبتكرات - بنده موافقم . باید دفاع کنم .
رئیس - خوب - آقای مغیر خواهند صحبت کنند
مغیر - مذاکرات نسبت بطرحها فرق میکند .
 يك طرحی که پنجاه و پنج نفر از آقایان آن را امضاء کرده اند و نسبت به امضای خودشان شرافت دارند و دفاع میکنند باین آسانی نمیتواند رد کرد
مملکت التجار - يك عده امضای خود

رایس گرفتند .
مخبر - فقط شما امضای خود را پس گرفته بودید .
 مقصود پیشنهاد کنندگان این طرح این بوده است که يك شخصي كه عملیات او بواسطه يك شركتی كه با منابع خارجی دارد اسباب نگرانی است از دولت تقاضای امتیازی کرده بود و در تحت يك تأییداتی آن امتیاز بمجلس آمده .
 و اینکه آقای آقا سید یعقوب اظهار کردند لایحه دولت آمده است لویایع زیاد از طرف دولت بمجلس می آید .
 این اصلاحاتی که شما نسبت بکلیات و مواد پیش نهاد میکنید همه مخالف لایحه دولت است و کراوا همین مجلس در يك موافقی لویایع دولت را رد کرده است بنابراین بنده تصور میکنم يك اشخاصی هستند که بر حسب عقیده مخالف هر انحصاری میباشد و این اشخاص با تمام قوای خود در تعقیب این طرح ایستاده اند .
 اما اینکه آقای آقا سید یعقوب فرمودند با دو کوبه رفته اند و آنجاها را دیده اند ولی اینجا مخارج لازم زیادی دارد خیر اینطور نیست و مخارج زیادی لازم ندارد .
 الساعه در لاهیجان يك خانه ای است متعلق بيك زنی است كه يك اولاديشمی هم دارد .
 همین خانه يك چاه نفتی كه امروز نفت او را در می آورند و چراغ روشن می کنند همینطور در انگرود و سایر اطراف گیلان بنابر این بنده تصور میکنم خود آقای آقا سید یعقوب كه عضو کمیسیون فواید عامه هستند خوب بود مخالفت خود را موقوف می داشتند تا زمانی كه این طرح بكمیسیون فواید عامه برود .
رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب تقاضا کرده اند جلسه ختم شود .
 (همه هم بین نمایندگان)
حاج میرزا عبدالوهاب - بنده به اداری پیشنهاد میکنم .
رئیس - يك نفر باید بیاید تا بشود رأی گرفت .
 (در این موقع آقای آقا سید یعقوب هم از مجلس خارج شدند)
رئیس - خوب جلسه را ختم میکنم رأی در این موضوع میماند برای روز شنبه در درجه اول .
 بعد در زمانی تقاضای آقای که آقای کفیل معارف کرده اند .
 رابرت کمیسیون معارف راجع به استخدام يك نفر معلمه برای دارالعلمیات بعد اگر تقاضاهای دیگری دارید بفرمائید چون همه کسانی نیست روز شنبه رأی می گیریم .
 (مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی :
مؤتمن الملك
منشی : علی اقبال الملك
منشی : معظم السلطان
جلسه صدوسی و هفت
صورت مشروح مجلس
یوم شنبه هفدهم برج حوت ۱۳۰۳ مطابق یازدهم شعبان ۱۳۴۳
 مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر برپاست آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید .
 (صورت مجلس یوم پنجشنبه یازدهم حوت را آقای آقا میرزا جوادخان قرائت نمودند)
رئیس - آقای مدرس
مدرس - قبل از دستور عرض دارم .
رئیس - آقای اشکر (اجازه)
اشکر - بنده هم قبل از دستور عرض دارم .
رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)
آقا سید یعقوب - عرض بنده هم قبل از دستور است .
رئیس - آقای امیر حشمت (اجازه)
امیر حشمت - قبل از دستور عرض دارم .
رئیس - آقای عماد السلطنه (اجازه)
عماد السلطنه - بنده راجع بدستور عرض دارم .
رئیس - آقای نظام التولیه .
نظام التولیه - قبل از دستور عرض دارم .
رئیس - آقای ضیاء الواعظین
ضیاء الواعظین - بنده هم قبل از دستور عرض دارم .
رئیس - آقای رهنما (اجازه)
رهنما - عرض بنده هم قبل از دستور است .
رئیس - در صورت مجلس مخالفی نیست ؟
بعضی از نمایندگان - خیر .
رئیس - آقای مدرس (اجازه)
مدرس - تقریباً از اول دوره چهارم که در حقیقت بعد از جنگ عمومی دنیا باشد در کلبه دنیا مسئله اقتصاد يك اهمیت فوق العاده پیدا کرد و بالخصوص در ایران که از اول دوره چهارم چند میانه مردم وجه در مجلس شورای ملی مسئله اقتصادیات اهمیت فوق العاده پیدا کرده است

(جمعی از نمایندگان صبح است)
 وحق هم دست بواسطه اینکه امور بازرگانی عموم مردم باید از راه فلاح و زراعت و صناعت و تجارت اداره شود .
 بواسطه وضعیاتی که در دنیا پیش آمده هر مملکتی هر جائی نسبت بخودش در این مسئله نكس پیدا کرده . البته فلاح و زراعت امنیت و فراغت میخورد و همین تجارت و صناعت امنیت و فروش میخورد و این از واضعانی است که معلول اشتباه و شبهه نیست همیشه از اول دوره چهارم مخصوصاً دولت هائی که تشکیل شد اهتمام داشتند که در این زمینه يك خدماتی بکنند لیکن متأسفانه تا امروز تمامش بحرف گذشته است .
 در همان دوره هم کمیسیون فواید عامه و کمیسیونهای دیگر در این مقوله صحبت ها داشتند و موافقتی پیدا نشد .
 تا در این دوره که در حقیقت دنباله دوره سابق بود یکی از چیز هائی كه منظور شد امتیاز ممان بود که اگر خاطر آقایان باشد يكجا هر گرام معقور دولتی این بود .
 باین واسطه هم يك امتیاز فقط شمالی مطرح بود و قانونی هم برایش گذشت و مدتها زحمت کشیده شد
رئیس - آقای آقا سید یعقوب
آقا سید یعقوب - بنده خواستم خاطر دولت و مجلس را متذکر کنم که این کتابچه سبزی که از طرف کمیسیون بودجه تمام ماها داده اند و این قلمهای واجب و وظیفه که در آن نوشته اند اگر ما نگاه کنیم باین قفوی که ما از لحاظ حفظ الصحه داریم همه هم مستحضرند .
 در چهار فرسخی تهران در يك دهی صدویست نفر بواسطه بی دوائی مرده اند و این نیست مگر بواسطه نقصان حفظ الصحه خوبست اعضای محترم کمیسیون بودجه توجه کنند .
 اگر حقیقتاً عمل و عواطف دیگری نداریم از همین محل وظایف میلی برای حفظ الصحه تخصیص داده شود .
 بنده حالا به آقایان عرض می کنم بعد از آنکه رابرت کمیسیون بودجه آمد ما از جمله کسانی هستیم که مخالف میکنیم مگر اینکه لافل برای حفظ الصحه اطراف تهران (حالا از حفظ الصحه ولایات گذشتیم يك مبلغی منظور شود و بعد از این که بودجه را به مجلس آوردند دیگر آقایان با آن فشار از مازای نخواهند که بیایند بودجه برای بدهید والا دنیا زیر و زبر خواهد شد .
رئیس - آقای امیر حشمت .
امیر حشمت - بنده فعلا عرضی ندارم .
جمعی از نمایندگان - وارد دستور شویم .
عماد السلطنه - بنده راجع به دستور عرضی دارم .

در این جا مکرر راجع بیش افتادن حقوق اعضای ادارات و اشخاصی که سر خدمت هستند که سه ماه و چهار ماه حقوقشان عقب افتاده ملاحظه شده است ولی منتظرین خدمت که در بین آنها اشخاصی یافت می شود که در سال و سه سال است . بیکار هستند و هیچ عایداتی هم ندارند و تمام زندگانی شان از بین رفته است و در اینجا هم تصویب شده است که يك میلی از بابت حقوق آنها پرداخته شود . با وجود اینکه این مسئله در برج میزان تصویب شده است و الا این نزدیک است برج حوت هم تمام شود هنوز چیزی با آنها داده نشده است و البته همه آقایان هم میدانند که در این شب عیدی چه قدر آنها احتیاج بیول دارند اینست که تقاضای کمی بدولت تذکر داده شود که حقوق منتظرین خدمت را اگر ممکنست تمامش و اگر ممکن نیست يك مقدارش را در این شب عیدی به آنها بدهند .
بعضی از نمایندگان - صبح است .
رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)
آقا سید یعقوب - بنده خواستم خاطر دولت و مجلس را متذکر کنم که این کتابچه سبزی که از طرف کمیسیون بودجه تمام ماها داده اند و این قلمهای واجب و وظیفه که در آن نوشته اند اگر ما نگاه کنیم باین قفوی که ما از لحاظ حفظ الصحه داریم همه هم مستحضرند .
 در چهار فرسخی تهران در يك دهی صدویست نفر بواسطه بی دوائی مرده اند و این نیست مگر بواسطه نقصان حفظ الصحه خوبست اعضای محترم کمیسیون بودجه توجه کنند .
 اگر حقیقتاً عمل و عواطف دیگری نداریم از همین محل وظایف میلی برای حفظ الصحه تخصیص داده شود .
 بنده حالا به آقایان عرض می کنم بعد از آنکه رابرت کمیسیون بودجه آمد ما از جمله کسانی هستیم که مخالف میکنیم مگر اینکه لافل برای حفظ الصحه اطراف تهران (حالا از حفظ الصحه ولایات گذشتیم يك مبلغی منظور شود و بعد از این که بودجه را به مجلس آوردند دیگر آقایان با آن فشار از مازای نخواهند که بیایند بودجه برای بدهید والا دنیا زیر و زبر خواهد شد .
رئیس - آقای امیر حشمت .
امیر حشمت - بنده فعلا عرضی ندارم .
جمعی از نمایندگان - وارد دستور شویم .
عماد السلطنه - بنده راجع به دستور عرضی دارم .

رئیس - بفرمائید
عماد السلطنه - بنده پیش نهاد میکنم طرحی که راجع بمسئله آزادی نطق است امروز از دستور خارج شود .
رئیس - پیشنها ی هم در این باب شده است قرائت خواهد شد .
عماد السلطنه - عرض بنده تمهیم داشت .
 چون هر کاری بهترش این است که از جریان خودش خارج نشود راجع باین قسمت از کمیسیون رابرتی در خصوص کمیاتی خارج شده ممکن است جزو دستور مجلس بشود .
 اشخاصی که با این طرح موافقت با آن رابرت موافقت با این طرح مخالفتند در آن موقع اظهارات خودشان را بفرمائید دیگر لازم نیست دو جاسعیت بکنیم .
رئیس - پیش نهاد آقای تدین قرائت می شود .
 پیشنهاد می کنم - که طرح قانونی آزادی نطق گیلان مسکوت عنه بماند .
رئیس - آقای تدین (اجازه)
تدین - بنده مقصودم از این پیشنهاد اینست که يك مدتی وقت گرانهای مجلس صرف جنجال و مباحثات در يك امری که موضوع ندارد نشود و باین سبب پیش نهاد کردند از دستور خارج شود ممکن است بنده هم با پیش نهاد ایشان موافقت کنم .
 بنده تعجب میکنم طریق مخالفت با يك لایحه منحصر باین نیست که در مقابل ما يك طرح قانونی دیگری پیش نهاد کنیم
سر کشیکزاده - در موقعش بفرمائید .
تدین - بنده جواب حضرت عالی را عرض نمی کنم فقط دعا میکنم که خدا به جناب عالی صبر بدهد .
سر کشیکزاده - بنده هم دعا می کنم خدا شما صبر بدهد
مملک التجار - (خطاب سر کشیکزاده) ساکت شو .
سر کشیکزاده - خودت ساکت شو مگر رئیس هستی ؟
مملک التجار - تورئیس مجلس هستی که مجلس را شلوغ میکنی ؟
مملک التجار - (خطاب سر کشیکزاده) ساکت شو .
سر کشیکزاده - خودت ساکت شو مگر رئیس هستی ؟
مملک التجار - تورئیس مجلس هستی که مجلس را شلوغ میکنی ؟
مملک التجار - (خطاب سر کشیکزاده) ساکت شو .
تدین - بنا بر این موافق هستم با اینکه از دستور خارج شود و در موقعی که رابرت کمیسیون نطق مطرح است آقایان میتوانند کاملاً عقاید خودشان را اظهار کنند .

فرمایند و آقایانی که مخالفند ممکن است در موقع شور در مواد یا کلیات آخرش رأی ندهند و این بیکراه قانونی معمولی است .
 ولی اگر امروز بخوایم وارد این قضیه بشویم بنده میدانم بجز جنجال نتیجه دیگری نخواهیم برد به این جهت این تقاضا را کردم .
رئیس - تقاضا می کنید مسکوت بماند ؟
تدین - خوب همانطور که آقای عماد السلطنه تقاضا کردند بنده هم تقاضا می کنم از دستور خارج شود .
رئیس - آقای رهنما (اجازه)
 رهنما - آقای عماد السلطنه در ضمن پیشنهادشان فرمودند لایحه کمیاتی نطق حاضر شده و تقریب بمجلس می آید و در آن موقع ممکن است مخالفین عقاید خودشان را بگویند میخواهند رأی بدهند نیکو خواهد رأی ندهند ممکن بود آن طرفش را هم ملاحظه بفرمائید .
 لایحه باضای پنجامو پنج نفر رسیده است یعنی پنج نفر پیش حالا چه عرض کنم) آن پیش نهاد در ضمن سایر طرحها بمجلس آمده ممکن است در این قسمتی که حالا بمجلس آمده مذاکره بشود مخالفین در آن رأی ندهند ما نباید کارها را نیمه کاره بگذاریم .
 يك لایحه یا طرحی که بمجلس می آید باید موافقت و مخالفتین مذاکره می کنند و دلایل خودشان را بیان نمایند پس از گفتن دلایل اکثریت مجلس ما آن قانون را رد میکنیم تصویب میکنند وقتی رد کردیم بود و وقتی تصویب کرد باقی میماند .
 حالا اگر این فکر را آقایان بفرمائید که امروز اکثریت نیست و ممکن است بعد اکثریت پیدا شود اینطور نیست .
 زیرا که کسانی که امروز موافق خواهند بود و مخالف خواهند بود .
 علی ای حال بنده عقیده ام این است که امروز همین پیش نهاد مطرح شود و تکلیف آن که معلوم شد تکلیف آن لایحه هم زودتر معلوم خواهد شد .
رئیس - رأی میکنیم بتقاضای آقای عماد السلطنه تقاضا کرده اند اخذ رأی در این طرح از دستور امروز خارج شود - مقصود مذاکره نیست چون مذاکره کافی شد است . چیزیکه از دستور خارج میشود رأی گرفتن است .
 بعضی از نمایندگان - مذاکرات هم کافی نشده است .
رئیس - اگر خاطر آقایان باشد در آن جلسه خواستیم رأی بگیریم که آقای آقا سید یعقوب رفتند بیرون و همه کافی نبود فقط چیزیکه میماند مسئله رأی گرفتن

است آقایانیکه این تقاضا را تصویب میکنند قیام فرمایند .
 (اغاب قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد
عماد السلطنه - پیش نهاد بنده تمهیم داشت .
رئیس - این راجع بآخر جلسه است .
عماد السلطنه - بسیار خوب
رئیس - رابرت کمیسیون معارف و خارجه بودجه قرائت میشود (اینطور قرائت شد)
 کمیسیون خارجه لایحه نمره ۵۴۸۰ دولت راجع باستخدام مادام آندره هس فرانسوی برای ریاست دارالعلمیات تحت مطالعه در آورده و استخدام مزبور را از نقطه نظر ملیت و تسامعیت تصدیق دارد .
 کمیسیون بودجه لایحه نمره ۵۴۸۰ وزارت معارف راهورد بحث و مطالعه قرار داده و با اساس لایحه مزبور از حیث مدت که از ابتدای حمل ۱۳۰۴ لغایت سه سال باشد از حیث مبلغ که سالیانه هزار دویانصد تومان خواهد بود در ماده مادام آندره هس فرانسوی برای مدیری و معلمی دارالعلمیات موافقت مینماید .
 کمیسیون معارف لایحه نمره ۵۴۸۰ وزارت معارف دایر باستخدام مادام آندره هس تبعه فرانسه رابرای مدیری و معلمی مدرسه دارالعلمیات تحت مطالعه در آورده با اکثریت تصویب و بمجلس شورای ملی تقدیم میدارد .
 ماده اول دولت مجاز است (مادام آندره هس) تبعه فرانسه رابرای مدت سه سال از تاریخ اول حمل ۱۳۰۴ (۲۱ مارس ۱۹۲۵) برای معلمی و مدیری مدرسه دارالعلمیات کثرتات نماید .
 ماده دوم - حقوق (مادام آندره هس) از قرار سالی هزار دویانصد تومان خواهد بود .
 ماده سوم - دولت مجاز است بر طبق ماده ۲ قانون کثرتات مستخدمین خارجه مصوبه ۲۳ عقرب ۱۳۰۱ سایر شرایط را تعیین و کثرتات مشارالیه را امضاء نماید .
رئیس - در کلیات مخالفی نیست ؟
آقا شایخ محمد علی - تهران - بنده مخالف بودم نوشته ام
رئیس - بفرمائید
 تهرانی - بنده نقطه نظر مخالفم از این راه است که يك نفر اروپائی که زبان ما را نداند هر قدر عالم دانشمند و هر قدر باهوش باشد برای مملکت مفید نیست .
 مگر اینکه زبان ما را هم بداند یعنی تعلیماتی را که برای اولاد و نوادگان وطن لازم است بزبان فارسی تعلیم کند و الا يك معلمی که زبان فارسی بلد نباشد در موقع

تعلیم يك مترجم باید پهلویش باشد در صورتیکه معلوم نیست آن مترجم میتواند درست ترجمه کند و مقاصد آن معلم را درست بفهمد یا نمیتواند و اگر گرفتاری و اشکال مملکت ما برای این است که اشخاصی را که استخدام میکنیم و می آوریم در این مملکت زبان ما را درست نمایند و اطلاع ندارند و زبان واسطه ما در صدمه هستیم علاوه بر این یکی از چیز هائی که خیلی مهم است این است که ما در مملکت خودمان اشخاصی داریم .
 باز غریب نوازی کرده و اشخاصی را از خارج کثرتات میکنیم ده مقابل بایست مقابل آن چیزی را هم که يك نفر ایرانی (که همان معلومات راهم داراست) میدهم بآن شخص میدهم و خود این مسئله باعث می شود که هیچ يك از افراد ایرانی در صدد تکمیل تحصیلات خود بر نیایند بجهت اینکه بالاخره می بینند بانام زحمات و صدماتیکه که کشیده اند .
 شبها را نخواهند و متصل مشغول مطالعه بوده اند .
 روزها مشغول مذاکره و مباحثه بوده اند با این حال يك نفر خارجی را می آورند در صورتیکه معلوماتش یا کثرت یا مساوی با اوست ده مقابل بیست مقابل با او میدهند .
 امروز در مملکت ما اشخاصی هستند و نوازنی هم باشند که این معلومات را که باین خانم نسبت میدهند دانا می باشند و به ماهی بیست تومان هم حاضرند خدمت کنند .
 الان یکی از آنها را اسمش را عرض میکنم مادام و از تواریخی که تحصیلاتش عالی و در اروپا تحصیل کرده است تصدیق هم گرفته است و مستتر هم اینست هست که بتواند در دارالعلمیات تعلیمات عالی بکند .
 هیچ نظر سیاسی هم ندارد اگر ما بواسطه سیاست بخوایم يك کاری بکنیم چه کار معارف داریم ما باید معارف مملکتمان را از سیاست خارج کنیم و بدست اشخاصی بدهیم که معلومات داخلی داشته باشند .
 این منتهای بدبختی است لقا خانم دختر برهان الملك که يك نفر خانم ایرانی و معلومات عالی هم داشت و در همین دارالعلمیات مشغول خطاطی بوده است شاید به ماهی بیست و پنج یا سی تومان هم کثرتاتش کرده بودند بقدری اسباب دانشکی او را فراهم ساختند که عقابیت استعفاء کرد آلانها او را با ماهی هفتاد تومان استخدام و فرستادند با آنها برای گل درزی این چه جهت دارد که ما معلمین اروپائی را بی آوریم و متأسفانه هر کس را که آوریم همین که کثرتاتش تمام شد يك اصل میلی شد و

گفتیم حکماً باید باین باشد یا بدانش یا آن باشد یا بدانش والا سبب دانستی خواهد بود ماچرا اول شهر بگوئیم که دوچار ضرورت بشویم بنابراین بنده مخالف ضایع‌الواعظین بخیر کمیسیون معارف آقای نهرانی در قسمت کلمات دو فقره اظهار داشتند یکی راجع به کلمات عرض که مدبره و معلمه یا مدبر و معلم باید بحد کفایت زبان فارسی را رساند و مستجاب به مترجم نباشد.

در این مورد بخصوص آنچه که بنده شنیده‌ام و کمیسیون اطلاع تحصیل کرده است ایشان بحد کفایت فارسی می‌اندند و از عهده این سمتی که وزارت معارف برای ایشان معین کرده و لیاقت هم دارند بدون مترجم بخوبی برمی‌آیند. در قسمت دوم که تقریباً می‌خواهند اشعار بفرمایند که حتی الامکان لازم است ما از بین خود ایرانی‌ها اشخاصی که لیاقت و کفایت دارند برای اینگونه امور بگماریم بنده هم کاملاً موافقم.

ولی مخصوصاً توجه ایشان را باین موضوع جلب می‌کنم که در ایران وجود یک مدرسه برای نسوان اهم از دارالعلمیات یا مدرسه دیگری که بتواند نسوان و دخترهای این مملکت را از مدارس دیگری نیاز کند.

بمقتدیه بنده در درجه اول از اهمیت است بهر وسیله و تسمی که هست باید یک مدرسه دایر شود که احتیاج ما را از مدارس دیگران تأسیس کرده اند رفع کند و احتیاج ما از اینگونه مدارس رفع نمیشود دختران ایرانی در تحت نظر معالین ایرانی وزارت معارف تربیت نمیشوند مگر اینکه یک مدرسه موافق تحصیلات مخصوصه و معلومات لازمه اداره شود.

آقایان غالباً مسبوق هستند در- المعلمات یک مدرسه است که يك تحصیلات مخصوصه دارد و تصدیق نامه سایر مدارس برای معلمی یا مدبری دارالعلمیات کفایت نمیکند.

معلمین دارالعلمیات مدیر دارالعلمیات معلمین دارالعلمیات مدیره دارالعلمیات باید تصدیق نامه از مدرسه داشته باشند که تحصیلات آن مدرسه مخصوصاً راجع باصول معلمی و مدبری مدارس باشد. بگفته‌ام قدر تحصیلات عالی باشد نمی‌تواند در مدرسه دارالعلمیات یا دارالعلمیات تدریس کند یا آنجا را اداره نماید پس بنظر بنده یکی از خدمات مهم وزارت معارف و مجلس همین بوده است که برای دارالعلمیات بگزن اروپائی استخدام کرده که بنا بر اطلاعاتی که بکمیسیون رسیده است از تمام جهات چه از حیث اخلاق و چه از حیث دانستن زبان فارسی و معلومات خوب در دارای تصدیق نامه از مدرسه دارالعلمیات است و با این ترتیب بنام است

اینکه شوهر ایشان هم در خدمت دولت ایران است از اینجهت استخدام ایشان هم بطور اختصاص تقریباً تمام شده است و بنا بر این تصور می‌کنم اینقسمت از فرمایش آقای طهران راجع بکلمات بعد کفایت عرض شد حاویست وارد درمواد شویم درمواد اگر آقایان نظری دارند میفرمایند بنده جواب عرض می‌کنم.

رئیس - رأی می‌گیریم برای دخول درشورمواد آقایانی که تصویب می‌کنند قیام فرمایند. (اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده اول قرائت می‌شود. ماده اول - دولت مجاز است (مادام اندر هس) تبه فرانسه را برای مدت ۳ سال از تاریخ اول حمل ۱۳۰۴ (۲۱ مارس ۱۹۲۵) برای معلمی و مدبری مدرسه دارالعلمیات کثرت نماید.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه) آقا سید یعقوب - بنده در قسمت حقونش عرض دارم. رئیس - آقای اخگر - (اجازه) اخگر - موافقم. رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - اگر چه آقای طهرانی آنچه که شاید بویاید اظهار کردند بنده هم بنوبت خود عقیده ام را عرض می‌کنم خدمتاتی که وزارت معارف از نقطه نظر تربیت اطفال و باره الفاظ دیگر بکار برده یک مدرسه موافق تحصیلات مخصوصه و معلومات لازمه اداره شود.

آقایان غالباً مسبوق هستند در- المعلمات یک مدرسه است که يك تحصیلات مخصوصه دارد و تصدیق نامه سایر مدارس برای معلمی یا مدبری دارالعلمیات کفایت نمیکند.

معلمین دارالعلمیات مدیر دارالعلمیات معلمین دارالعلمیات مدیره دارالعلمیات باید تصدیق نامه از مدرسه داشته باشند که تحصیلات آن مدرسه مخصوصاً راجع باصول معلمی و مدبری مدارس باشد. بگفته‌ام قدر تحصیلات عالی باشد نمی‌تواند در مدرسه دارالعلمیات یا دارالعلمیات تدریس کند یا آنجا را اداره نماید پس بنظر بنده یکی از خدمات مهم وزارت معارف و مجلس همین بوده است که برای دارالعلمیات بگزن اروپائی استخدام کرده که بنا بر اطلاعاتی که بکمیسیون رسیده است از تمام جهات چه از حیث اخلاق و چه از حیث دانستن زبان فارسی و معلومات خوب در دارای تصدیق نامه از مدرسه دارالعلمیات است و با این ترتیب بنام است

وجه نتیجه از وجود او مترتب خواهد بود؟ در هر صورت گمان می‌کنید در ایران کسی که بتواند متصدی این کار بشود وجود ندارد؟ بنده تصور می‌کنم بطوریکه آقای طهرانی فرمودند این مسئله هم جزو تشریفات بشود که اگر این رفت خلفش بیاید.

و بنظر بنده بود چه امروز ما هم این قدر قوت نداریم که هر روز از این قبیل مخارج برویم ما تعدیل بشود. مخیر - فرمایشی که آقای طهرانی فرمودند و بنده جواب عرض کردم يك قسمت از فرمایش آقای کازرونی را هم متضمن بود که جواب آن عرض شده است. در قسمت اخیر فرمایشان هم که فرمودند این هم جزو تشریفات می‌شود. بنده خاطر محترم ایشان را تذکر میدهم به اینکه کمیسیون مراقبت و سعی داشته است که اوقات اطفال در مدارس ضایع نشود وقتی که نسوان از آن مدرسه بیرون می‌آیند کار دستی هم بلد باشند مخصوصاً در این قسمت فوق العاده مراقبت شده است که تحصیلات دارالعلمیات طوری باشد که فقط برای تشریفات نباشد.

و کمیسیون معارف مطمئن شده است که ایشان علاوه بر معلوماتی که برای اداره کردن مدرسه دارالعلمیات دارند در کارهای دستی هم مراقبت مخصوصی دارند که برای نسوان فوق العاده لازم است و اصول راجع باور خانوادگی و تربیت اطفال و باره الفاظ دیگر بکار برده گمان می‌کنم قابل تقدیر باشد.

حالا بنده در جزئیات نمی‌خواهم داخل شوم و نتایجی هم که مآلاً بر این رویه منفرع است. هر وقت دنفری که بهای می‌نشینم و آهسته صحبت میداریم گمان نمی‌کنم بر هیچ يك از ماها پوشیده باشد.

حالا گفتگود قسمت نسوان است که باید متعلق به اخلاق خوب باشد و يك تربیتی داشته باشند که بتوانند با مرد ایرانی سازش کنند و طوری نباشد که دخترهای ایرانی با ایرانی موافقت و سازش نداشته باشند و از هم نفرت داشته باشند.

در هر صورت بنده می‌خواستم سؤال کنم این شخصی را که می‌خواهند استخدام کنند از قرار اطلاعاتی که بنده تحصیل کرده ام این شخص بقدری که بتواند ماورما بحتاج خودش را اداره کند زبان فارسی نمیداند آنوقت چه طور میتواند در مدارس ایرانی معلمه بشود و مطالب علمی را بمتعلمان و محصلات خودش افاق کند آنها باید باو تعلیم بدهند یا او باید به آنها چیز بیامورد و تعلیم بدهد؟

رئیس - رأی می‌گیریم بماده اول آقایانی که تصویب می‌کنند قیام فرمایند. رئیس - تصویب شد. ماده دوم قرائت می‌شود. (بشرح ذیل قرائت شد) ماده دوم - حقوق (مادام آندره هس) از فراسالی هزار و پانصد تومان خواهد بود. رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده در ماده اول هم اجازه خواسته بودم نوبت نرسید. حالا در این ماده عرض را عرض می‌کنم.

رئیس - رأی می‌گیریم بماده اول آقایانی که تصویب می‌کنند قیام فرمایند. رئیس - تصویب شد. ماده دوم قرائت می‌شود. (بشرح ذیل قرائت شد) ماده دوم - حقوق (مادام آندره هس) از فراسالی هزار و پانصد تومان خواهد بود. رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

ولی در موقع نتیجه و هنگام عمل دیدیم که در روز دو ساعت بیشتر سر درس حاضر نمی‌شدند و گذشته از این هنوز فراموش نشده است که یکی از معلمین اروپائی بقدری و طوری یکی از شاگردان را کتک زد که مرد.

پس خیلی چیزها در مقام صرف گفته می‌شود ولی در موقع عمل آن طور نیست و اگر حقیقتاً آن طور باشد ایران آباد می‌شود ولی متأسفانه چنانچه عرض شد آن طور نیست و چون بنده یقین دارم که این فرمایشات و اظهارات آقایان موافقین که میفرمایند (چه ما چه ما نخواهیم) در واقع عمل واقعت پیدا نخواهد کرد و در واقع این وجهی که ایشان داده داده می‌شود يك تقدیمی است از این جهت بنده پیشنهاد کرده‌ام که این تقدیمی ماهی غصت تومان باشد.

رئیس - آقای اخگر موافقت؟ اخگر - بلی موافقم. رئیس - بفرمائید. اخگر - اساساً خوب بود آقایان مخالفین ملاحظه میفرمودند که با این وضعیت مملکت ما نمی‌شود برای تدریس و تعلیم نسوان مردهای ایرانی را انتخاب کرد البته زن را باید زن تعلیم دهد و تربیت کند نه مرد.

و حالا ناچارند زنی را برای معلمی نسوان در مدرسه دارالعلمیات انتخاب و استخدام کنند خاصه با اینکه آن زن باید دارای معلومات و تحصیلات عالی باشد تا بتواند نسوان ایرانی را تعلیم دهد لازم است آمد که از اروپا استخدام نمایند و علاوه بر مواجب مبلغ زیادی باو خرج ایاب و ذهاب دهند.

ولی در این موقع خوشبختانه این مادام با تحصیلاتی که داراست خودش در طهران است و ممکن است با این حقوق کم که ماهی صد و بیست تومان بیشتر نیست او را استخدام کرد و تا حدی هم زبان فارسی میدانند.

میفرمایند بعضی چیزها مرام است و پروگرام مشخص است ولی عملی نیست. خوب اگر بنا شود این اصل را ما اتخاذ کنیم بچونقت نباید با انجام هیچ کاری موفق شویم و اگر تاکنون يك کاری از پیش نرفته است برای نا امیدی خود ما بوده است.

و بهر حال اگر هم نشده باید سعی کرد که در کارها موفقیت پیدا کنیم و این دلیل نیست که دارالعلمیات ما معلمه خوب لازم نداشته باشد و این نکته را باید به آقایان تذکر بدهم و عرض کنم خانوادگی که مردانشان عالم و زناشان جاهل باشند مثل بدن قالچ می‌ماند و حتی الامکان باید سعی کرد که از همه مرد وزن عالم شوند.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است. رئیس - در فقره پیشنهاد رسیده یکی از طرف آقای آقا سید یعقوب مبلغ هزار تومان دیگری از طرف آقای قائم مقام هزار و بیست تومان. آقای آقا سید یعقوب -

آقا سید یعقوب - بنده اول خدمت تومان پیشنهاد کرده بودم باورای بگیرید اگر کرد شد بعد بسالی هزار تومان را بگیرید.

رئیس - دیگر توضیحی ندارید؟ آقا سید یعقوب - خرید دیگر عرضی ندارم عرض همان بود که عرض شد. رئیس - رأی می‌گیریم به قابل توجه بودن این پیشنهاد یعنی ماهی غصت تومان آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمایند (دوسه نفر قیام کردند)

رئیس تصویب شد. رأی می‌گیریم به هزار تومان آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند (چند نفری برخاستند) رئیس - قابل توجه نشد. رأی گرفته می‌شود به هزار و بیست تومان.

قائم مقام اجازه میفرمائید توضیح عرض کنم. رئیس - بفرمائید. قائم مقام - بنده با استخدام این خانم معلمه نظر باینکه عالمه است کمال موافقت را دارم و خیلی کار خوبی است ولی اینکه پیشنهاد کردم حقوقشان هزار و بیست تومان باشد برای اینست که شهر ایشان هم در خدمت دولت است و فقراً منتهم می‌شود و این حقوقی که ایشان داده می‌شود در واقع فوق العاده است گرچه امروزه سببند تومان وجه قابلی نیست لکن برای اینکه کمکی هم بود چه معارف شده باشد این است که بنده اینطور پیشنهاد کردم.

قائم مقام را تصویب میکنند قیام فرمایند (چند نفری قیام کردند) رئیس - تصویب شد. آقای آقا شیخ جلال پنجاه تومان پیشنهاد کرده‌اند. (خطاب به آقا شیخ جلال توضیح بدهید)

آقا شیخ جلال - این پولی که بیک نفر معلمه داده میشود از نقطه نظر کاری است که از او برمی‌آید. مطابق شرحی که گفته شد خیلی از زنهای عالمه ایرانی هستند که این خدمت را به ماهی بیست تومان هم قبول می‌کنند. بنابراین بنده متقدم که همین ماهی پنجاه تومان کافی است.

مخیر - از نقطه نظر تشویق معلمین و مدیران مدارس بنده عرض می‌کنم که کاملاً باید اینها را دلگرم و راضی کرد زیرا از هر جهت باید خباتشان راحت باشد تا بتوانند کاملاً وظایف خودشان را انجام داده و بشاگردان و متعلمین خود با نهایت مراقبت دروس را بیاموزند از اینجهت هر قدر دولت و مجلس شورای ملی بتوانند آسایش خاطر معلمین را بعمل آورد برای مملکت نافع تر خواهد بود.

آقا سید یعقوب - بنده اول خدمت تومان پیشنهاد کرده بودم باورای بگیرید اگر کرد شد بعد بسالی هزار تومان را بگیرید.

رئیس - دیگر توضیحی ندارید؟ آقا سید یعقوب - خرید دیگر عرضی ندارم عرض همان بود که عرض شد. رئیس - رأی می‌گیریم به قابل توجه بودن این پیشنهاد یعنی ماهی غصت تومان آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمایند (دوسه نفر قیام کردند)

رئیس تصویب شد. رأی می‌گیریم به هزار تومان آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند (چند نفری برخاستند) رئیس - قابل توجه نشد. رأی گرفته می‌شود به هزار و بیست تومان.

قائم مقام اجازه میفرمائید توضیح عرض کنم. رئیس - بفرمائید. قائم مقام - بنده با استخدام این خانم معلمه نظر باینکه عالمه است کمال موافقت را دارم و خیلی کار خوبی است ولی اینکه پیشنهاد کردم حقوقشان هزار و بیست تومان باشد برای اینست که شهر ایشان هم در خدمت دولت است و فقراً منتهم می‌شود و این حقوقی که ایشان داده می‌شود در واقع فوق العاده است گرچه امروزه سببند تومان وجه قابلی نیست لکن برای اینکه کمکی هم بود چه معارف شده باشد این است که بنده اینطور پیشنهاد کردم.

که معارف باید بقدری توسعه پیدا کند که هیچک از نقاط ایران بی مدرسه نباشد ولی بلكه بنده در اینجهت که می‌دهم و آن این است که هر عمارتی را که ما بخواهیم بسازیم باید اولاً تهیه مصالح آن عمارت را بکنیم و مصالح آن عمارت است از سنگ و آجر و گچ و خاک و چوب و سایر لوازم آن و هر قدر هم شما آدم عالم داشته باشید بدون مصالح نمی‌توانید آن عمارت را بسازید همین طور تا معلم نفاشته باشد بقیه بنده این مدارس هر قدر زیاد تر شود تضییع وقت است.

بنابر این باید اول معلم تربیاء کرد بعد مدرسه معلم درجائی که تهیه می‌شود اسمش دارالعلمین و دارالعلمیات است و در کمیسیون بودجه این مسئله مطرح شده و پس از تحقیقات زیاد معلوم شد که در این موضوع هیچ نظر سیاسی نیست معارف ایران از زواجل تا بحال در تحت تأثیر سیاست نبود و از این تاریخ بیهضم انشاء الله امیدواریم در تحت تأثیرات سیاسی واقع نشود و راجع باین معلمه هم چون وزارت معارف نگران این بود است که بگفتنی باشد که بتواند کاملاً از عهد این کار بر آید و آن بگفتنی هم همین خانم است که مادام آندره هس نام دارد.

رئیس - آقای عدالتملك - موافقم. رئیس - آقای رهنما - موافقم. رئیس - مخالفی ندارید؟ (گفته شد خیر) رئیس - رأی گرفته میشود بماده سوم آقایان موافقت قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. مذاکرات راجع بکلمات است آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده می‌دانم که مجلس رأی داده است درموادش و همینطور در کلمات هم رأی خواهد داد و ورقهای سفیدم حاضر است و علاوه بلكه تذکره دیگری را باید آقایان در نظر داشته باشند که کثرت دوسر در او باید برضایت طرفین باشد و حالا اگر ما اینجا بیاییم رأی بدهیم گمان نمی‌کنم از طرف قبول کند.

رئیس - رأی می‌گیریم پیشنهاد آقای آقا میرزا بدالله خان. هزار و سیصد تومان آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه می‌دانند قیام فرمایند. (عدلهایی قیام نمودند) رئیس - قابل توجه نشد. رأی می‌گیریم بماده دوم آقایان موافقت قیام فرمایند.

رئیس - رأی می‌گیریم بماده دوم آقایان موافقت قیام فرمایند. رئیس - قابل توجه نشد. رأی می‌گیریم بماده دوم آقایان موافقت قیام فرمایند. رئیس - قابل توجه نشد. رأی می‌گیریم بماده دوم آقایان موافقت قیام فرمایند.

رئیس - تصویب شد. آقا سید یعقوب - بنده پیشنهادی ندارم. رئیس - مگر ماده اول را نتوانند بفرمایند. آقا سید یعقوب - اجازه میفرمائید. رئیس - تأمل بفرمائید بخواهند. پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب بشرح آتی قرائت شد)

بنده پیشنهاد می‌کنم که این بصر مدر آخرماده دوم نوشته شود که مادام آندره هس مقام معلمه را از درجه مدیریت رتبه اول معارف - ماده اول هم قرائت میشود (بعضیون ذیل خوانده شد) ماده اول - دولت مجاز است ما ام آندره هس تبعه فرانسه را برای مدت ۳ سال از تاریخ اول حمل ۱۳۰۴ (۲۱ مارس ۱۹۲۵) برای معلمی و مدبری مدرسه دارالعلمیات کثرت نماید.

رئیس - ماده سوم دولت مجاز است بر طبق ماده دو قانون کثرت مستخدمین خارجه مصوبه بیست و سوم عقرب ۱۳۰۱ سایر شرایط را تعیین و کثرت مشارالیه را امضاء نماید.

رئیس - آقای عدالتملك - موافقم. رئیس - آقای رهنما - موافقم. رئیس - مخالفی ندارید؟ (گفته شد خیر) رئیس - رأی گرفته میشود بماده سوم آقایان موافقت قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. مذاکرات راجع بکلمات است آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده می‌دانم که مجلس رأی داده است درموادش و همینطور در کلمات هم رأی خواهد داد و ورقهای سفیدم حاضر است و علاوه بلكه تذکره دیگری را باید آقایان در نظر داشته باشند که کثرت دوسر در او باید برضایت طرفین باشد و حالا اگر ما اینجا بیاییم رأی بدهیم گمان نمی‌کنم از طرف قبول کند.

رئیس - رأی می‌گیریم پیشنهاد آقای آقا میرزا بدالله خان. هزار و سیصد تومان آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه می‌دانند قیام فرمایند. (عدلهایی قیام نمودند) رئیس - قابل توجه نشد. رأی می‌گیریم بماده دوم آقایان موافقت قیام فرمایند.

می شود و کاملاً بعقیده بنده این اسم منطبق است با قانون سراج احوال بعلاوه فارسی و در بین عوام هم معمولیت مثلاً در سابق گفته میشد فلانکس بی نام و نشانست یعنی هویت ندارد علیهذا بنده پیشنهاد میکنم که نام و نشان نوشته شود.

رئیس - آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد.

رأی میگیریم بماده اول آقایانی که

بماده اول موافقت قیام فرمایند.

(اغالب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده دوم.

(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده دوم - کسانیکه قبل ازین تاریخ

متولد شده اند باید سراج احوال خود را

به وسیله رئیس خانواده در اوراق اظهارنامه

(نسختین) نوشته تسلیم مأمور سراج احوال

نمایند نمونه شماره اشخاص که باید اظهارنامه

بدهد همچنین رئیس خانواده که باید به

وسیله او اظهارنامه مرتب شود هر گاه از

تکلیف خود تغلف ورزند مسئول خواهند

بود.

تبصره - اشخاصی که در تحت قیمومیت

شرعی هستند قیم خاص آنها و اگر قیم خاص

ندارند مدعی العموم یا قائم مقام او باید

اوراق اظهارنامه را نوشته تسلیم مأمور

سراج احوال نماید.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب.

(اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده موافقم.

رئیس - آقای رهنما.

(اجازه)

رهنما - بنده هم موافقم.

رئیس - آقای طهرانی

(اجازه)

آقا شایخ محمدعلی طهرانی -

بنده يك مجملاتی در این ماده می بینم و

يك تناقضی

اما مجملاتش اینست که می نویسد

(کسانی که قبل از این تاریخ متولد شده

اند باید ...) و معلوم نیست که آیا مقصود

تاریخ تاسیس سراج احوال است یا تاریخ

رسبت این قانون یا تاریخ تصویب این

قانون.

این مسئله باید معین شود.

تا بنابر تبصره می نویسد (اشخاصی که

در تحت قیمومیت شرعی هستند قیم خاص

آنها اگر قیم خاص ندارند مدعی العموم یا

قائم مقام او باید اوراق اظهارنامه را نوشته

تسلیم سراج احوال نماید.)

يك خانواده دارای صد نفر جمعیت است

این جا رئیس خانواده را مسئول قرار

نمیدهد بلکه قیم شرعی یا مدعی العموم را

مسئول قرار میدهد در حالی که در خود

اده مسئول را رئیس خانواده قرار داده

(اجازه)

سر کشیکزاده - یک قسم از توضیحات بنده را آقای طهرانی دادند بنظر بنده این قسمت از ماده قدری ابهام دارد آن فرمایشی هم که آقای ممبر فرمودند (پس از تاسیس سراج احوال) اگر دقت فرمایند در طهران که تقریباً چند سال است این مسئله واقع شده است شاید يك عده اشخاصی باشند که از نقطه نظر اینکه این مسئله قانونی نبوده نرفته اند اسم خودشان را ثبت کنند و در ماده بیست و چهارم يك مجازاتی قائل شده با این ماده ما چطور میتوانیم آنها را از مجازات مستثنی کنیم این است که بنده پیشنهاد کرده ام از تاریخ تصویب این قانون باشد.

معاون وزارت داخله - برای این

که عبارت یک قدری روشن تر شود در فصل

اشکالی پیش نباید گمان میکنم خوبست

عبارت اینطور شود: کسانی که قبل از تاریخ

تاسیس سراج احوال در هر محل متولد

شده اند.

رئیس - آقای سر کشیک زاده در

پیشنهاد جنابعالی رأی میگیریم

سر کشیکزاده - بنده موافقت میکنم

باین پیشنهاد آقای کفیل.

رئیس - پیشنهاد آقای نصرت -

الدوله.

(بمضمون ذیل قرائت گردید)

بنده پیشنهاد میکنم در ماده اول جمله

رئیس خانواده مبدل بر رئیس عائله شود.

رئیس - (خطاب بشاهزاده نصرت -

الدوله) بفرمائید.

نصرت الدوله - عرض میکنم در

این قانون خانواده و رئیس خانواده مگر هست و

يك مجازات و مشولت هائی هم در بعضی

از مواد این قانون برای رئیس خانواده

پیش بینی کرده است و باید هم به بین محدودی

را که ما قائل می شویم از برای رئیس خانواده

چیست؟

چون يك اشخاصی بعنوان رئیس خانواده

هستند و بوجوب این مواد این اشخاص

مسئولند.

درحالی که ممکن است در بین يك

خانواده يك کسی خودش مستقل

باشد.

بنابر این عقیده بنده این است که آن

مأمورینی که معین می شوند برای این کار

خود آنها مکلف باشند که برود و ایامی

اشخاص را بنویسند و تحقیق احوال مردم

را بکنند که تکلیفی بر رئیس خانواده آنها باشد

این است عقیده بنده.

رئیس - رأی میگیریم پیشنهاد آقای

سلطان العلماء.

سلطان العلماء - پس میگیرم

رئیس - پیشنهاد شده است که قیمومیت

مبدل عائله شود که عائله عبارت می شود از

مرد و عیال و اولاد و نوکر و کلفتی که در

(گفتند خبر)

رئیس - ماده دوم با پیشنهاد آقای معاون و اصلاح آقای نصرت الدوله قرائت می شود.

معاون وزارت داخله اگر ممکن است این ماده ارجاع شود بکمیسیون برای اینکه با تحت توجه گرفته پیشنهاد شاهزاده نصرت الدوله و اینکه راجع بخانواده هم اساساً يك نظری بگیریم و معین کنیم که خانواده که اسم برده می شود شامل چه حدی می شود و عائله در کجا باید قرار دهد چون فرض می شود که اساساً نمی شود اسم خانواده را کنار گذاشت و اسمش را گذاشت عائله و شاید در يك موردی لازم باشد خانواده استعمال کرد و در مورد دیگر عائله و باید حدی هم معلوم باشد.

لهذا بنده تقاضا میکنم مراجعه شود بکمیسیون تا در آن جادر آن دقت کنم و بعد بیاید بمجلس

معتبر بنده هم تقاضا میکنم بکمیسیون مراجعه شود

رئیس - آقای ممبر هم تقاضای ارجاع می شود بکمیسیون پیشنهاد شده است جلسه ختم شود

جمعی از نمایندگان - صحیح است

رئیس - دستور فردا اولاً قانون سراج احوال بدو امضای عمل الملك پیشنهاد کرده اند راپورت کمیسیون بودجه بسبب (برخی) جزء دستور شود مخالفی ندارد؟

(بعضی گفتند خیر)

رئیس - بنده هم پیشنهاد کرده بودم لایحه راجع به بنده جزء دستور شود خوانده نشد.

رئیس - لایحه راجع به بنده جزء بعد از قانون سراج احوال با قبل از آن جزء دستور شود؟

رئیس - بعد از آن.

رئیس - آن راپورت را که آقای عدل الملك تقاضا کرده بودند جزء دستور شود هنوز حاضر نشده.

رئیس - این را بعد رأی می گیریم.

پس بالفعل دستور فردا همان قانون سراج احوال است.

بعضی از نمایندگان - صحیح است (مجلس بیست دقیقه بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی مؤتمن الملك منشی علی اقبال الملك منشی معتمد السلطان

صورت مشروح مجلس یوم یکشنبه هیجدهم برج حوت ۱۳۰۳ مطابق دوازدهم شعبان ۱۳۴۳

مجلس تقریباً سه ساعت قبل از ظهر بر ریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید

(صورت مجلس روز قبل از آقای میرزا جوادخان رافراقت نمودند)

رئیس - صورت مجلس مخالفی ندارد؟

(مخالفتی نشد)

رئیس - آقای افشار

(اجازه)

افشار - دو سه هفته قبل بنده از

رئیس - بفرمائید. شیخ الرئیس - معلوم نشد که آقای سهام السلطان چرا بایش زیاد بنده مخالفت کردند بنده پیش نهاد کردم اگر وقت پیدا شد فردا بعد از قانون سراج احوال و الا اگر وقت پیدا نشد بماند برای روز دیگر.

رئیس - مقصودتان این است وقتی قانون سراج احوال تمام شد آن وقت در آن مذاکره شود.

شیخ الرئیس - بلی ممکن است فردا تمام شود.

رئیس - بسیار خوب بعد از آنکه تمام شود پیش نهاد دیگری شده است که قانون به چه جزه دستور شود. آقای طهرانی.

آقا شایخ محمدعلی طهرانی - بنده قانون بلدی را یکی از مؤسسات آزادی مملکت می دانم خاصاً در ولایات و ایالات ایران يك وجوهی مردم به بلدی های آن جاها می دهند و این پولها صرف روشنائی رصعیه و سایر چیزهائی که لازم است برای ولایات نمی شود بواسطه اینکه میگویند مافوقون بلدی همان ناقص است و این قانون هم خیلی اهمیت دارد و پس از قانون اساسی قانون بلدی و انجمن های ایالتی و ولایتی است حالا در این دوره قانون بلدی آمده است به مجلس و نسبت به آن نظریاتی کرده اند و منتشر هم کرده اند همه آقایان هم متوجه این نکته هستند از این جهت بنده استدعا میکنم که پس از شور و مافوقون سراج احوال قانون بلدی مطرح شود.

رئیس - این را بعد رأی می گیریم.

پس بالفعل دستور فردا همان قانون سراج احوال است.

بعضی از نمایندگان - صحیح است (مجلس بیست دقیقه بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی مؤتمن الملك منشی علی اقبال الملك منشی معتمد السلطان

صورت مشروح مجلس یوم یکشنبه هیجدهم برج حوت ۱۳۰۳ مطابق دوازدهم شعبان ۱۳۴۳

مجلس تقریباً سه ساعت قبل از ظهر بر ریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید

(صورت مجلس روز قبل از آقای میرزا جوادخان رافراقت نمودند)

رئیس - صورت مجلس مخالفی ندارد؟

(مخالفتی نشد)

رئیس - آقای افشار

(اجازه)

افشار - دو سه هفته قبل بنده از

تعمداتی که از طرف مأمورین مالیه در ارومیه بعمل میاید شرحی در مجلس عرض کردم. مع التأسف صحبتی که بنده در مجلس کردم بعضی از آقایان مخصوصاً یکی دو نفر که افلا - تعداد يك فتو گرفتند هم نداشتند که مطلب را حفظ کنند رفته اند پیش آقای رئیس کل مالیه و گفته اند که بنده بر علیه آقای رئیس کل مالیه در مجلس حرف زده ام.

در صورتیکه بنده بر علیه ایشان عرضی نکردم.

عرایض بنده راجع به تشکیلات وزارت مالیه بود و هیچوقت بر علیه ایشان حرفی نزده ام.

اگر يك نفر از نمایندگان محترم بخواهند از نمایانی که یکی از دوایر دولتی در حوزه انتخابیه اش یا در کلبه مملکت می نماید صحبت کند.

تصور می کنم این را نباشد حمل بر غرض رانی و مخالفت با رئیس کل مالیه کرد.

وزارت مالیه و دولت در سال گذشته در سال گذشته در واقع با آذربایجان رقابت کرده است.

دولت خودش جنس خودش را بدولت روسیه فروخته آنوقت مالکین را قدغن کرده است که محصول خود را برای آذوقه محل نگاه دارند و از این راه مفاذیر زیادی کنند.

آذربایجانی ها تلف شده و بس آنها خسارت وارد آمده.

و اگر بنده اینجا این حرف را بزنم مخالفت بامیلیس نیست.

الآن قانون میزری در مجلس مطرح است و هنوز شورش تمام نشده وزارت مالیه در آذربایجان شروع به میزری است اگر بنده این عرض را میکنم مخالفت و ضدیت بامیلیس نیست.

در ششم فوس بنده از وزارت مالیه سؤالی کرده ام راجع باهانه ارومیه و هنوز برای جواب آن حاضر نشده اند و در ارومیه دارند املاک مردم را نیز از دستشان می گیرند.

وقتی که اینجا مذاکره میشود می گویند با رئیس کل مالیه مخالفت میشود. از وزیر مسئول سؤال میشود نمی آیند جواب میدهند.

بالاخره اوضاع وزارت مالیه مثل میرزا بنویسهای قدیم شده است.

هر چه آقایان میگویند آنها هم می نویسند هر کس هم حرف میزند میگویند مخالفت بامیلیس کرده است.

آقا سید یعقوب - چه اهمیت دارد مخالفت بامیلیس بوده باشد ۱۱۴

رئیس - آقای دولت آبادی

(اجازه)

حاج میرزا یحیی دولت آبادی -

بنده دیروز يك پیش نهادی کردم بناسبت اینکه یک قدری وقتش گذشته بود و دیر شده بود قابل توجه نشد.

یعنی در آن مذاکره نشد نه اینکه اصل مطلب قابل توجه نشد و امروز لازم دیدم که کسر آن مذاکره را جبران کنم شاید همچو بنظر میاید که آقایان نمایندگان محترم تصویب نکرده باشند که علوم بزرگان بومی خوانده شود در صورتی که اینطور نیست (بعضی نمایندگان صحیح است)

و تمام آقایان نمایندگان محترم مساعد و همراه هستند و عقیده شان این است (صحیح است) سکه نه در دارالعملیات بلکه در دارالعلمین و مدرسه حقوق و مدرسه دارالعلوم و در تمام مدارس عالی و متوسطه عمومی درس گفته شود (صحیح است) شبهه نشود.

اشتباه نشود دلیلش هم واضح است اگر ما در مدارس خودمان معلم برای تدریس علوم نداریم و میخواهیم معلم اجنبی اجیر کنیم از برای تدریس آن معلم باید درسش را بنویسد بزرگان بومی خودمان ترجمه کنند آنوقت معلم فارسی آن درس را به زبان خودمان ما بگویم.

(صحیح است)

اگر غیر از این باشد هیچوقت کتاب فارسی علمی کلاسیکی یعنی تدریس نخواهیم داشت.

هیچوقت لغات علمی و اصطلاحات علمی نخواهیم داشت.

برای اینکه فلان معلم میگوید خوب من که طب را در دارالعلوم بزرگان فرانسه درس می دهم اصطلاحات فرانسه را هم شاگردان می دانند دیگر هیچ محتاج نیستم اصطلاحات علمی را بزرگان فارسی برایشان بیان کنم.

آنوقت ما دیگر هیچ اصطلاحات علمی و کتب علمی بزرگان خودمان نخواهیم داشت.

در این صورت بنده پیش نهاد کردم که تدریس این معلم در دارالعملیات بزرگان فارسی باشد.

این جایک شبهه دیگر در راه رفیع می کنم و آن این است که دیروز بعضی ها تصور کرده بودند که بنده پیش نهاد کرده ام درس فرانسه را بزرگان فارسی بدهد در صورتی که من همچو عرضی نکردم.

زبان درس دادن موضوع حلجده است.

البته باید زبان را کسی که درس می دهد خودش بومی آن زبان باشد برای اینکه طرف زودتر و بهتر یاد بگیرد.

ولی این مربوط به علوم نیست.

علوم باید به زبان بومی و عمومی مملکت درس داده شود (صحیح است)

و امیدوارم این مسئله را نه تنها در دارالعملیات بلکه تمام مدارس ما از حالا شروع کنند و

بنده دیروز يك پیش نهادی کردم بناسبت اینکه یک قدری وقتش گذشته بود و دیر شده بود قابل توجه نشد.

یعنی در آن مذاکره نشد نه اینکه اصل مطلب قابل توجه نشد و امروز لازم دیدم که کسر آن مذاکره را جبران کنم شاید همچو بنظر میاید که آقایان نمایندگان محترم تصویب نکرده باشند که علوم بزرگان بومی خوانده شود در صورتی که اینطور نیست (بعضی نمایندگان صحیح است)